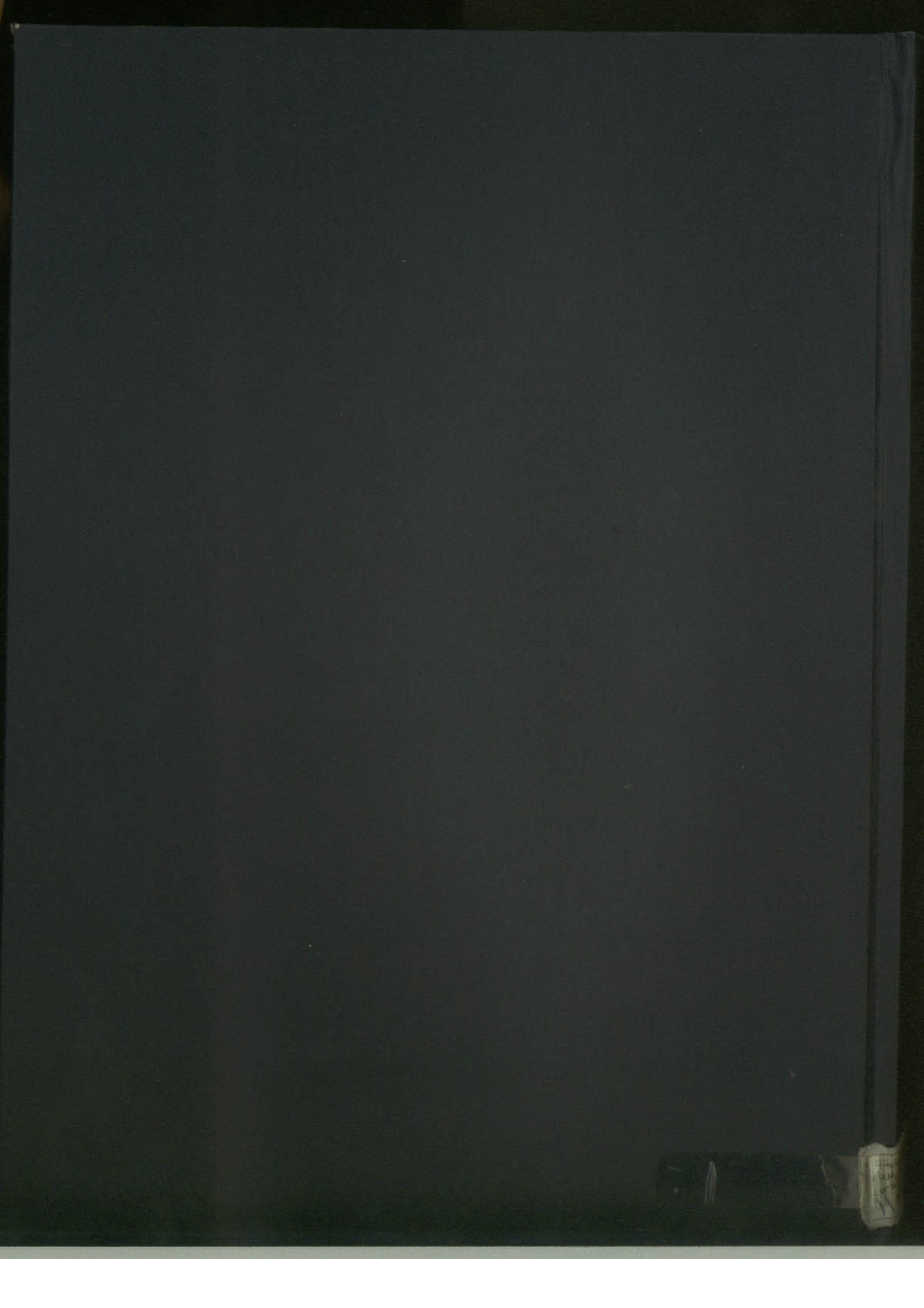
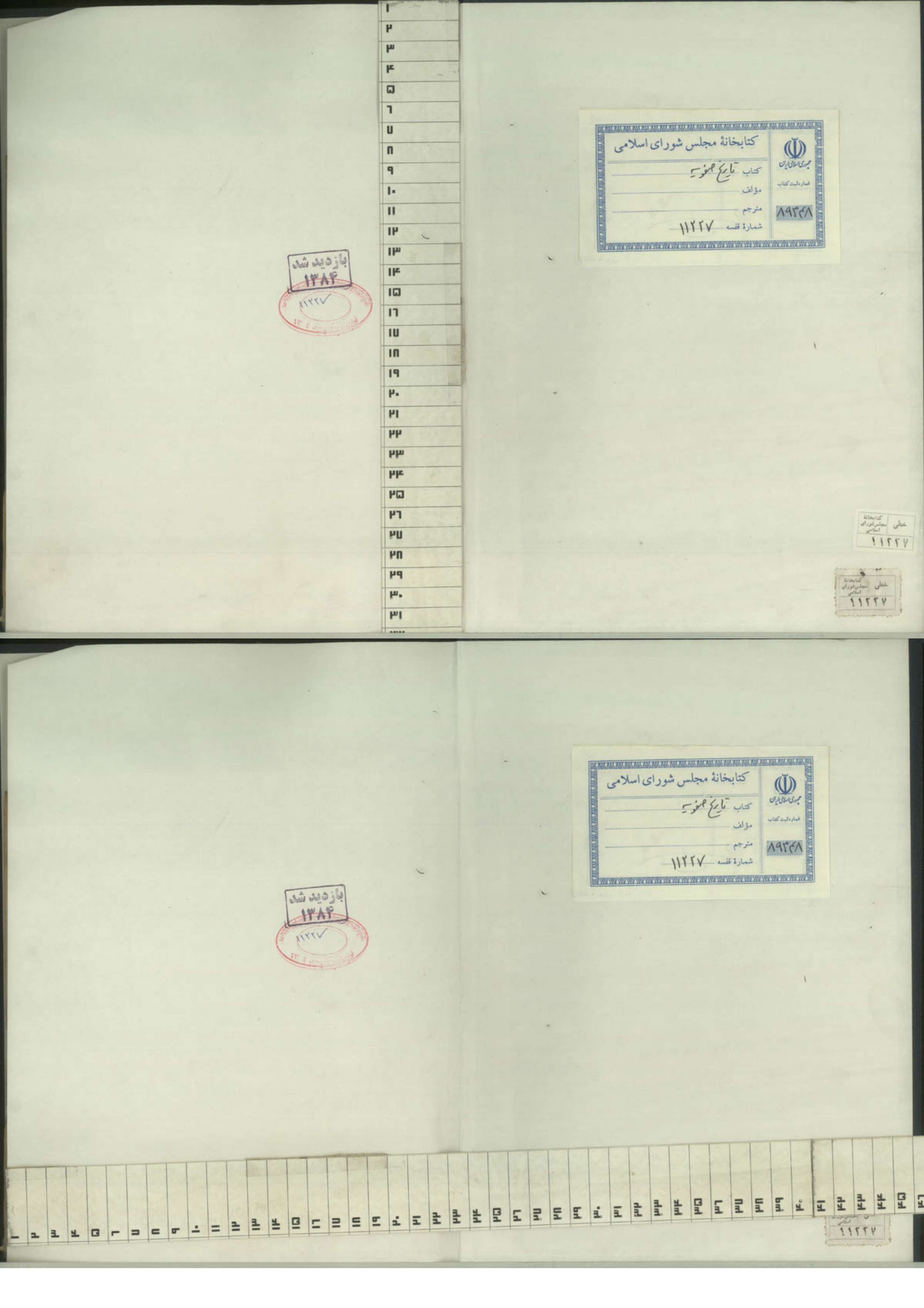
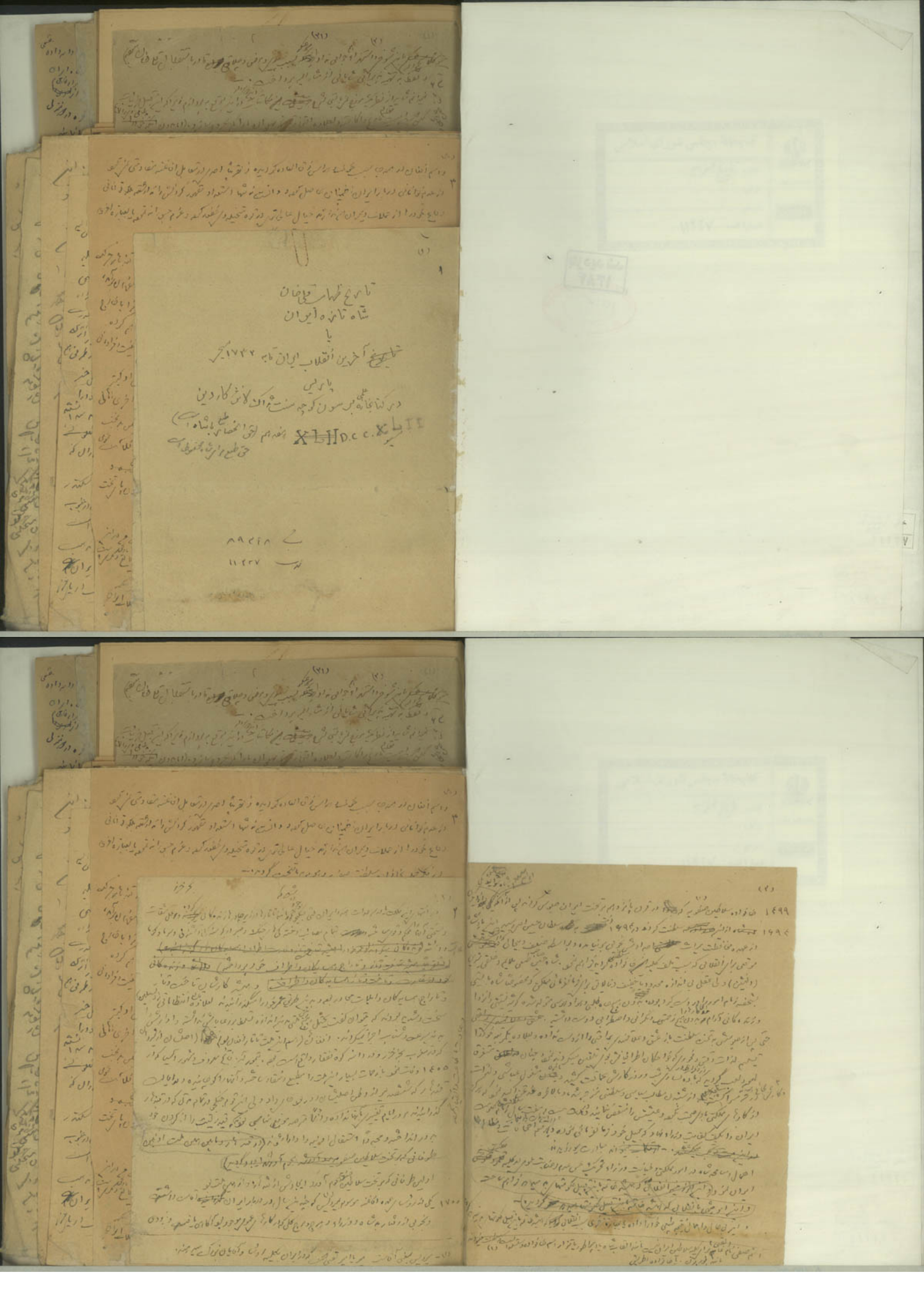



کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی
کتاب
مؤلف
مترجم
شمارهٔ قفسه ۱۱۲۲۷
جمهوری اسلامی ایران
شماره ثبت کتاب
۸۹۳۴۸
بازدید شد
۱۳۸۴


تاریخ ظهور تقی خان
شاه تازه ایران
با
تاریخ آخرین انقلاب ایران تا به ۱۷۴۲ مسیحی
پاریس

[illegible] افغان ها [illegible] تقریباً [illegible]

[illegible] ایران [illegible]

[illegible] خانواده سلطنتی صفویه [illegible] محروم [illegible] تخت گردید —

۱۷۲۲ در [illegible] ۱۷۲۲ [illegible] شصت هزار [illegible]

[illegible] اصفهان [illegible]

[illegible]

۱۷۲۲ — [illegible]

[illegible]

[illegible] ۱۷۱۰ [illegible]

[illegible]

۱۷۱۷ [illegible]

[illegible]

[illegible] ۱۷۲۸ [illegible]

[illegible]

۱۹

شاهزاده چون ... مریض شده و با همراهانی (اسکورت) ... و دشمن از این اقدام
بواسطه ارامنه ... خروج مطلع شده بود ...

این اقدام ... فایده نبخشید و اسیر گردید ... [illegible]

[illegible]

۲۱

[illegible]

(1) Calesterio. (2) Amazones

۲۰

و آنهم از اینطرف ... پل کشتی ... است و همچنین از طرف دیگر ... [illegible]

۱۷۲۲

[illegible]

۱۷۲۴

[illegible]

۱۷۲۵

[illegible]

(1) Kirleman. (2) Barakan. (3) Vikenende. [illegible]

آیا این شهر دیوس در کجا است؟ ... غیر از ... در ایالت ... (۱) ... (۲) ...

... در این شهر بوده است

[illegible]

(۱) Brussa.. (۲) Bithinie.. (۳) Chandernagor.—

[illegible]

[illegible]

(۱) Bankahude.—

(۲۸)

۱۷۲۸

(1) Alexandria Arria. — (2) Glacinsa

(۳۰)

(3) Drangian

(1) Dark-Dare ... (3) Labas-Hilekti-Jaad (4) Khaz ... (5) Bafi...

(۳۱)

(1) ... Narcot-lad. (3) Ba...

(4) Dize ... Didan (5) Madra. (6) Bargian.

[illegible]

... ایران ... در حکومتی ... [illegible]

[illegible]

(1) Duc d'Albukerque

(1) Bamian (2) Ormus (3) Gomron

(۲۱)

[illegible]

[illegible]

13 ۳۹

وانی کس شیون [illegible] کلیه [illegible] سلطنتی [illegible] محمود

[illegible]

[illegible]

[illegible]

شیلیران [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

۳۸

۲۳ نوامبر ۱۷۲۳ روز [illegible] دروازهای اصفهان را بر روی محمود [illegible]

~~[illegible]~~ ۱۷۲۹

این [illegible] واقعه اخر میباشد —

خلاصه قول [illegible] اطراف اصفهان [illegible] و رسیدن [illegible]

که [illegible] تخت [illegible] قلعه [illegible]

[illegible]

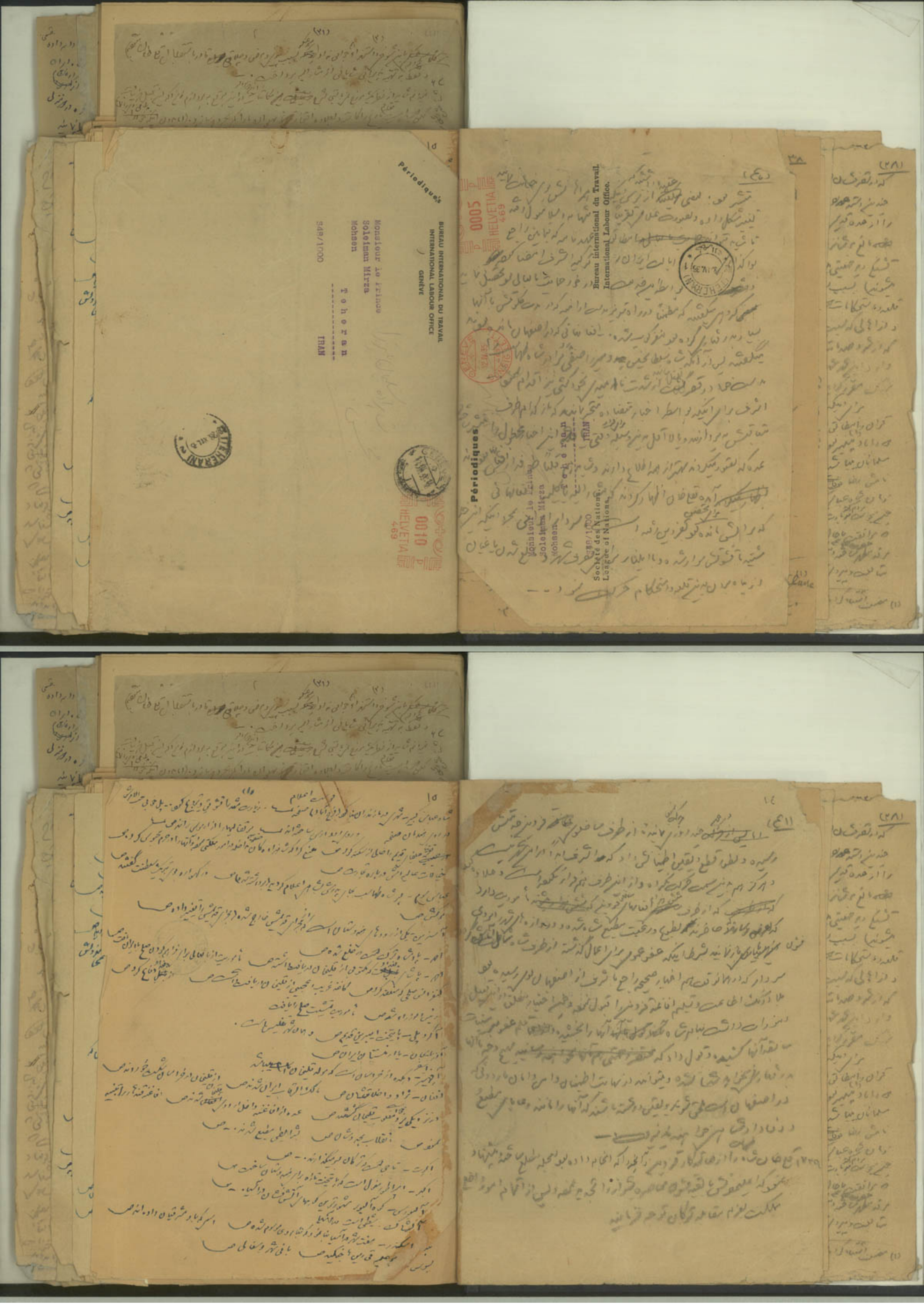
[illegible]

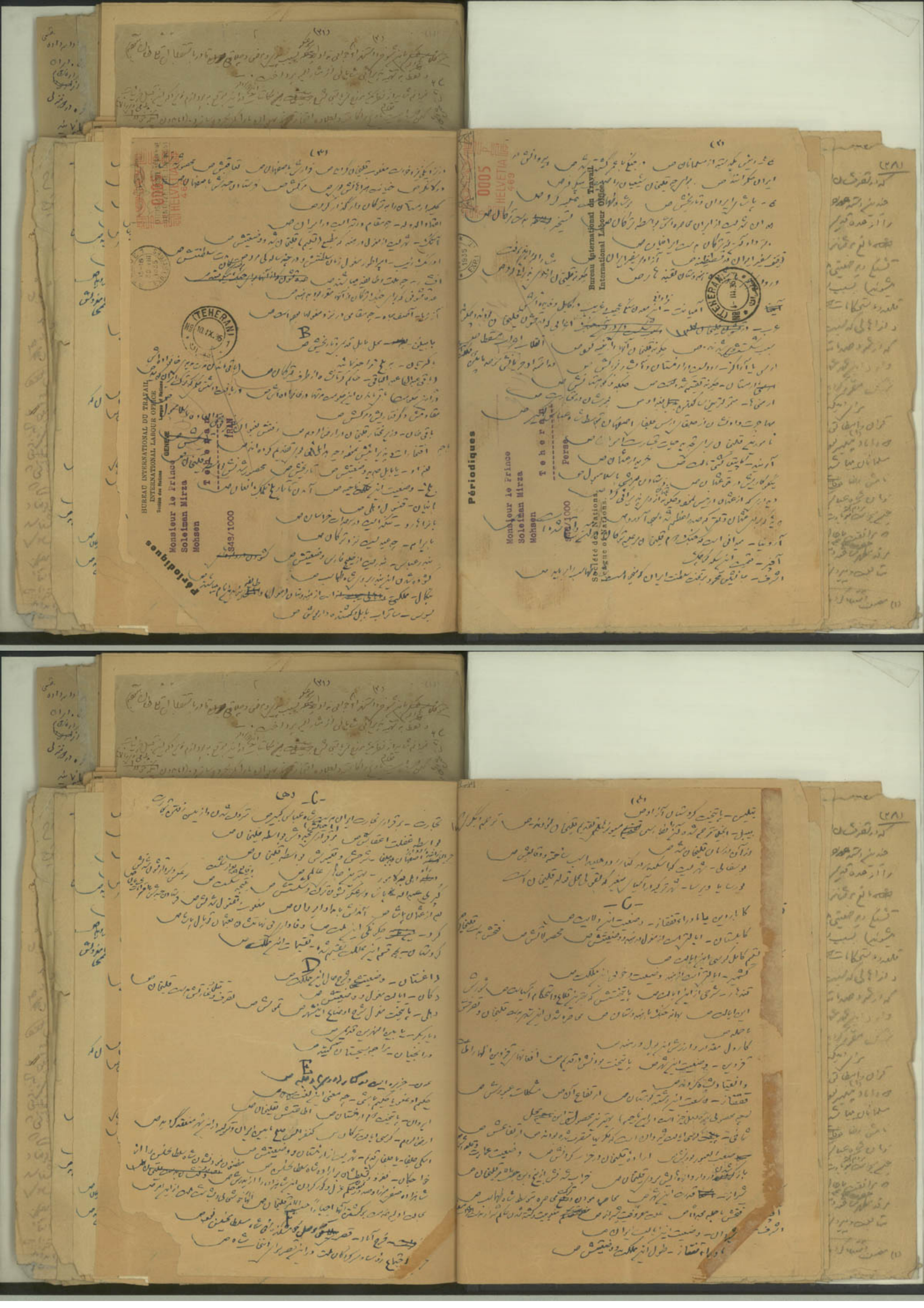
[illegible]

[illegible]

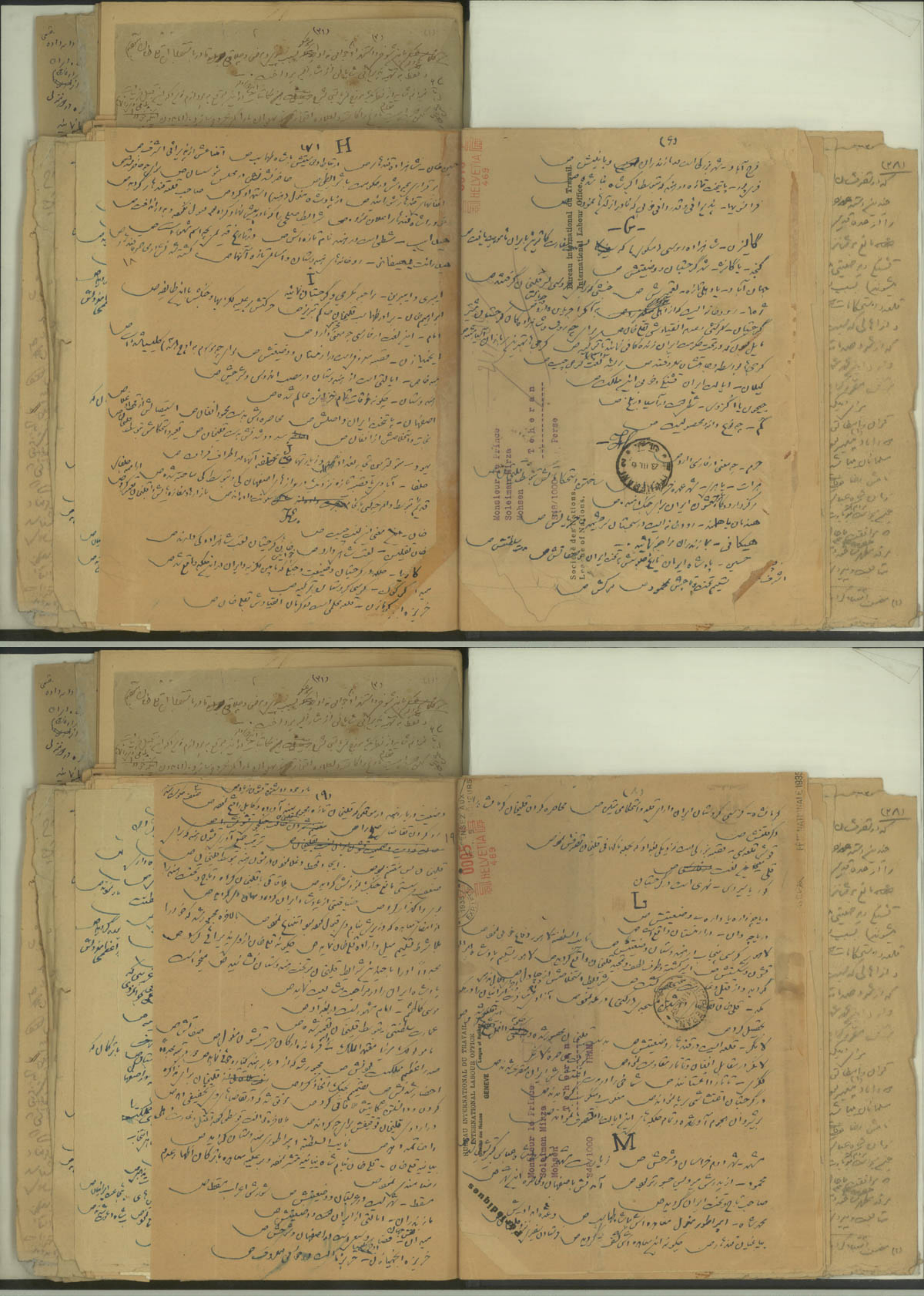
[illegible] ۱۷۳۱ [illegible] M. M. D. G. Memoir [illegible] اقتباس نموده ام

[illegible] ۱۷۳۱ [illegible]


Périodiques
BUREAU INTERNATIONAL DU TRAVAIL
INTERNATIONAL LABOUR OFFICE
GENÈVE
Monsieur le Prince
Soleiman Mirza
Mohsen
Teheran
IRAN
848/1000
HELVETIA
Bureau International du Travail
International Labour Office
Société des Nations
League of Nations
Périodiques



BUREAU INTERNATIONAL DU TRAVAIL
INTERNATIONAL LABOUR OFFICE
Monsieur le Prince
Soleiman Mirza
Mohsen
Teheran
Perse
Périodiques
HELVETIA
Société des Nations
League of Nations



H
I
K
G
Bureau International du Travail
International Labour Office
HELVETIA
Monsieur le Prince
Soleiman Mirza
Mohsen
Téhéran
Perse
L
M
BUREAU INTERNATIONAL DU TRAVAIL
INTERNATIONAL LABOUR OFFICE
GENEVE

[illegible]

N

[illegible]

[illegible]

P

[illegible]

[illegible]

نیشابور - شهر خراسان وضعیتش [illegible]

از مازندران [illegible]

[illegible] - اسم بهترین محلات دهلی است

[illegible] - [illegible] مسلمان است

[illegible] - [illegible]

[illegible] - [illegible]

O

عمر - [illegible] مسلمان [illegible]

امراء - [illegible]

[illegible] - [illegible]

(۱۵) S

خلیفه اعظم — معزول شدنش در اسلامبول می رنجیدن رضی قلیخان می برخست افغانها ... از طرف ... پاشا
... نمی خواست نقض خلیفه ... بین شاه و قلیخان می ...
صدر اعظم و مفتی را به سبب اینکه طرفدار مصالحه بودند می ... نمودن ایرانیان که اکرش ... با محمود
... نعش شان شده می جشن و شادمانی که در اسلامبول از خبر فتح ... پاشا داشت می ...
خلیفه اعظم اسیر قلیخان شده ... ولین ... محبور شدن خلیفه اعظم ...

قلیخان ... پادشاه ایران می

سید ال — سردار افغان می ... شده و تعاقب کشته بیاد ... قلیخان می

ساعد یان — ... مراجعه شود

سلیمان — ...

صفی یا صفیه — اصل این اسم ... صفیه می ... ملاحظه ... قلیخان می

سلطان حسین — ... شاه طهماسب ... شاهزاده گرجستان می ... قلیخان می

... شاهزاده ... می

... قدیم ... می

Gygmné

... رودخانه ... می

T

تاماس قیلی — ... می

تالستری — ... ملکی ... می

تیمور — ... تخت شهرش ... قلیخان ... می

... تخت ... می

تاتار — ... خلیفه اعظم ... می

... قلیخان ... می

تبریز — کرسی آذربایجان ... می

تکریت — شهریست در کنار دجله می قلیخان ... می

(۱۴)

... گرجستان و ... می

... تاریخ ... می

... نقال — ... می

... قلیخان ... می

شاهزاده خانم — ... اصفهان ... می

Q

... — ... حیست می

R

... — ... می

... قلیخان ... می

انقلاب — انقلاب اسلامبول ... شده می

رضاقلی میرزا — پسر ارشد قلیخان ... گرجستان می نایب السلطنه ...

... ولیعهد ... نایب السلطنه ... ایران ...

... — ... بیاشید

... — ... می

... — ... می

S

... — ... می

... — ... می

سمرقند — پایتخت امپراطوری تیمور ... می

... افغان می

شاه — معنی این لغت می

شهرزور — ... می

صفی قلیخان — سردار قشون شاه طهماسب ... می

... قلیخان ... می

صفی میرزا — ... نایب السلطنه ... مملکت می

... می

سیستان — ایالتی ... ایران ... می

کرسی ... می

[illegible]

Antoine Claude Briasson

[illegible]

(۱۶) T

... — جزیره ... خلیفه اعظم ... پادشاه ایران ... می

شاه طهماسب — ... شاه سلطان حسین ... ولیعهد ... نایب السلطنه ... اعلان ...

... قلیخان ... می

... اصفهان می

... ترکمان می

... ترکمان ... می

... خلیفه اعظم ... می

... قلیخان ... اصفهان می

... خراسان ... می

طهماسب قلیخان — ... مراجعه شود

تهران — ... این شهر می

تفلیس — پایتخت گرجستان و ... قلیخان ... می

... — رودخانه ...

... — ... می

ترکمان — ... ترکمان ...

... — ... می

V

... — ... می

Y

... — ... افغان ... می

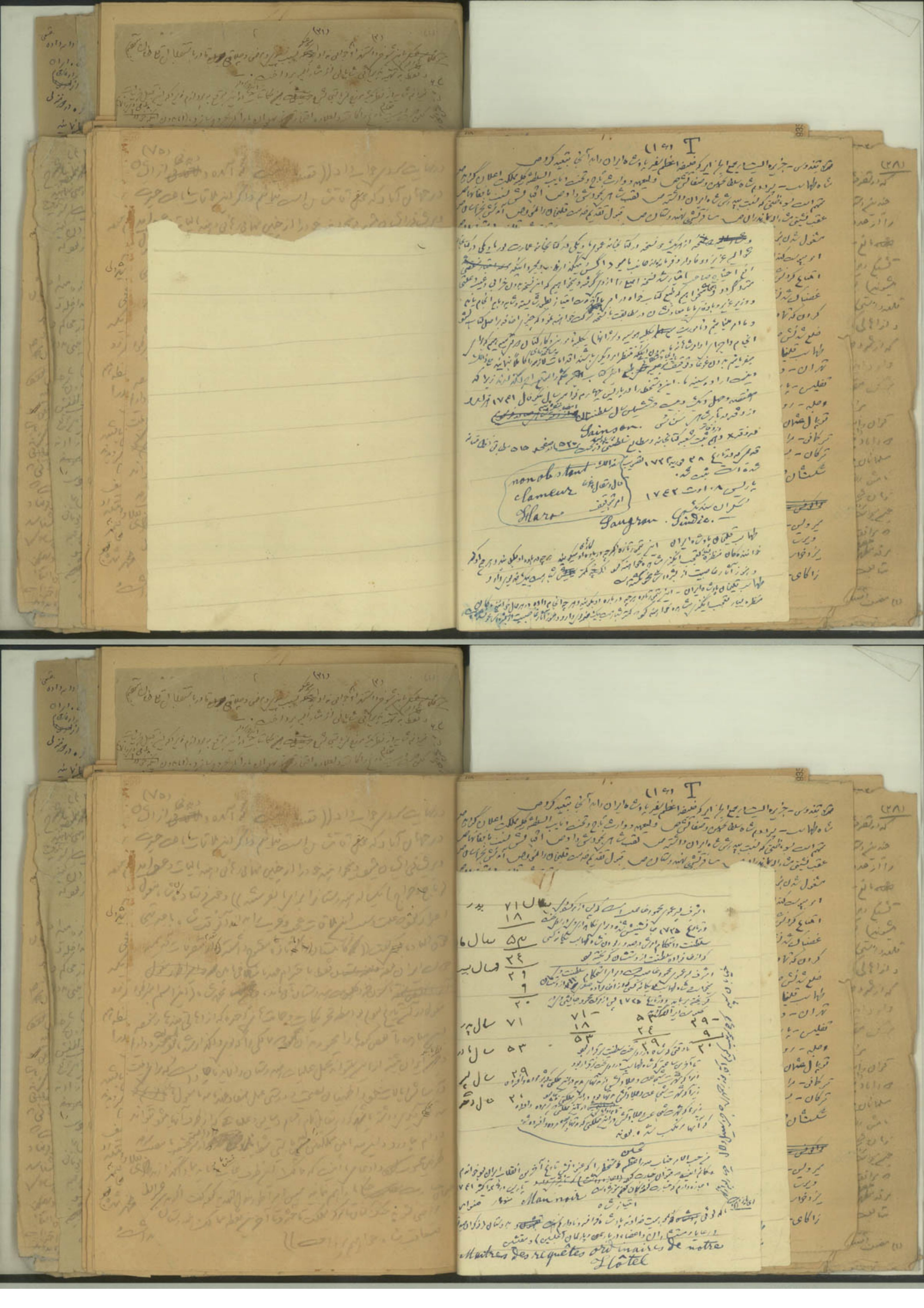
... قلیخان ... می

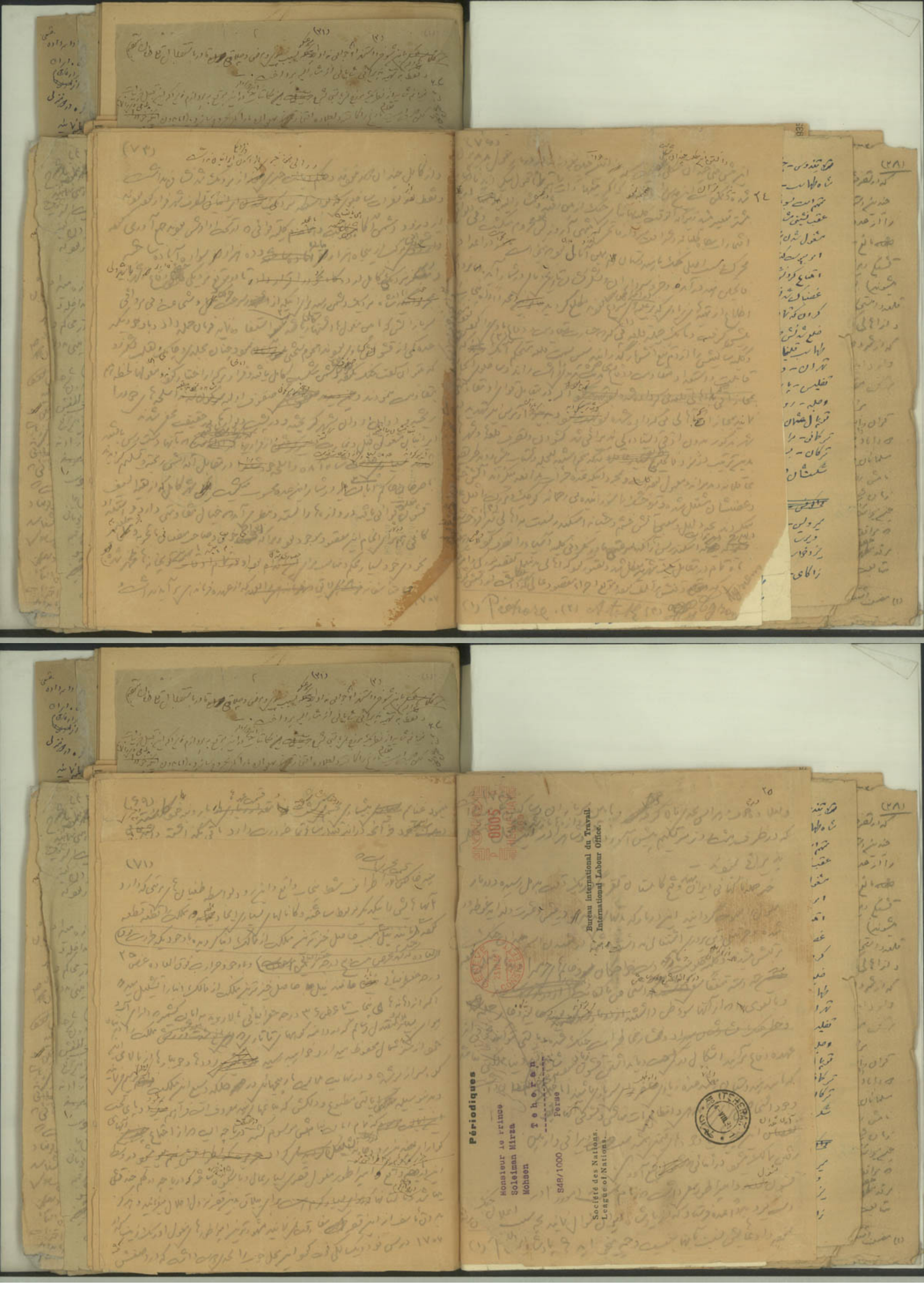
یزد خواست — ... می

Z

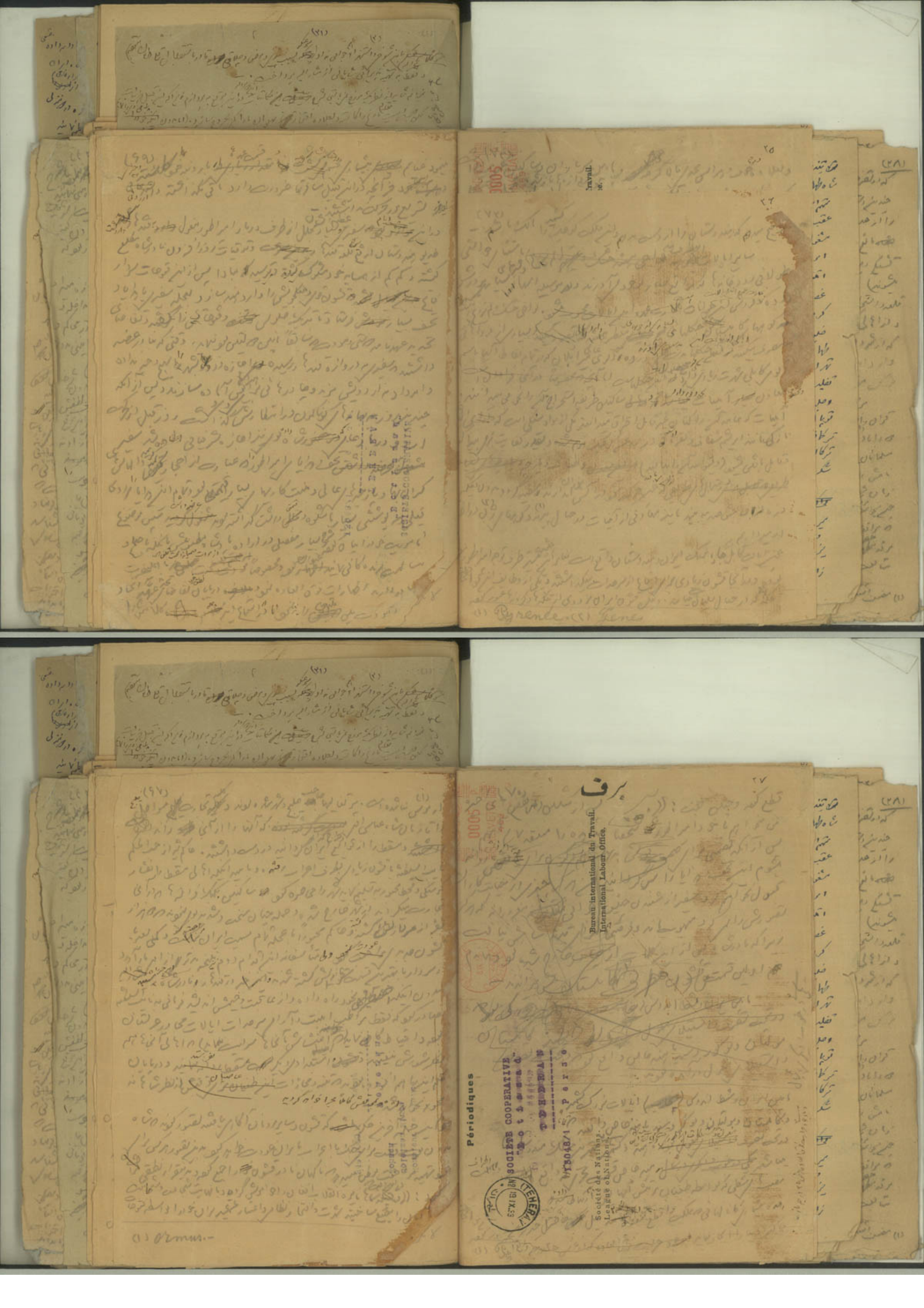
... — ... می

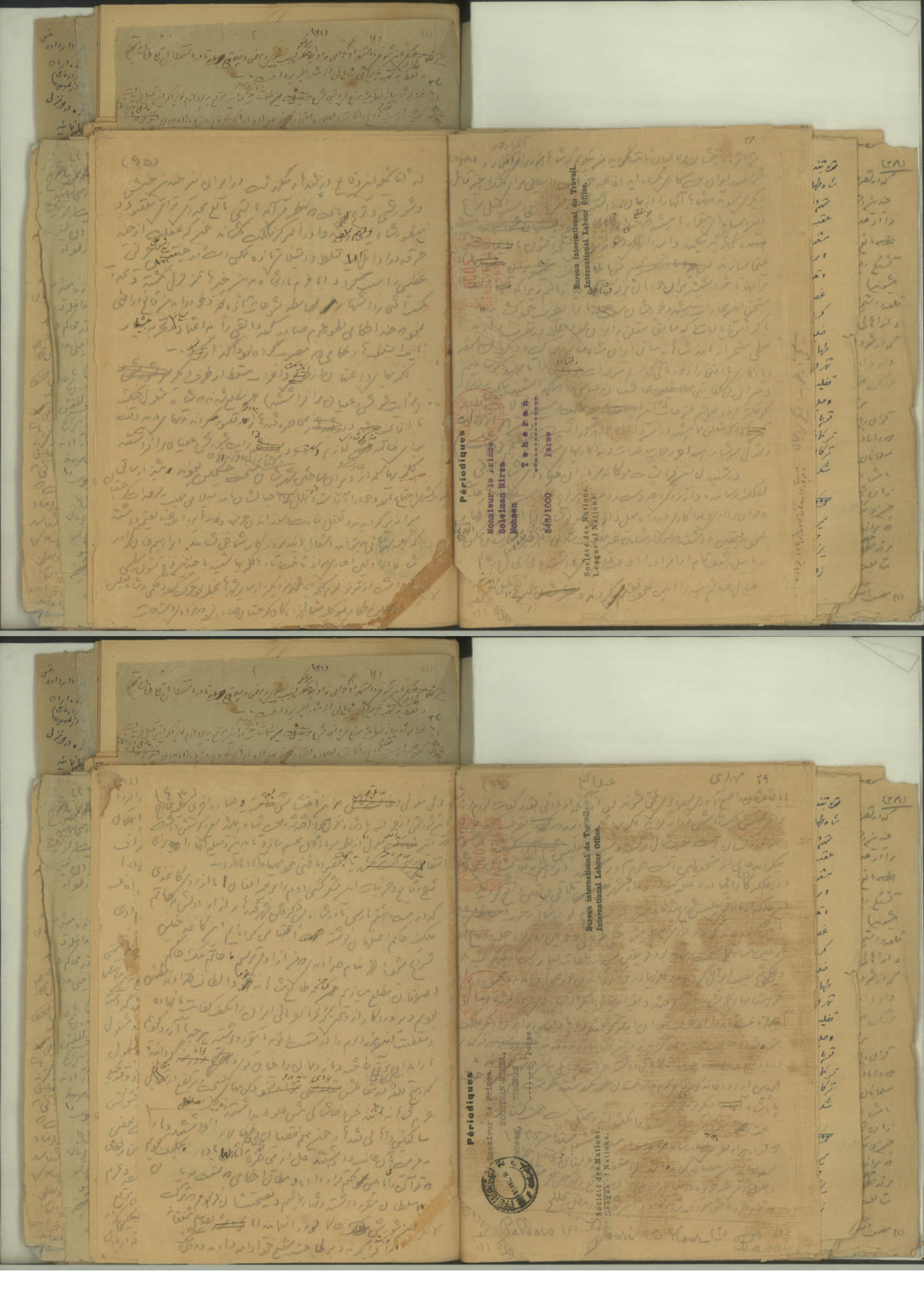
آخر فهرست


Sainson.
nonobstant
clameur
Haro
Saugran. Sindic.
Maîtres des requêtes ordinaires de notre Hôtel

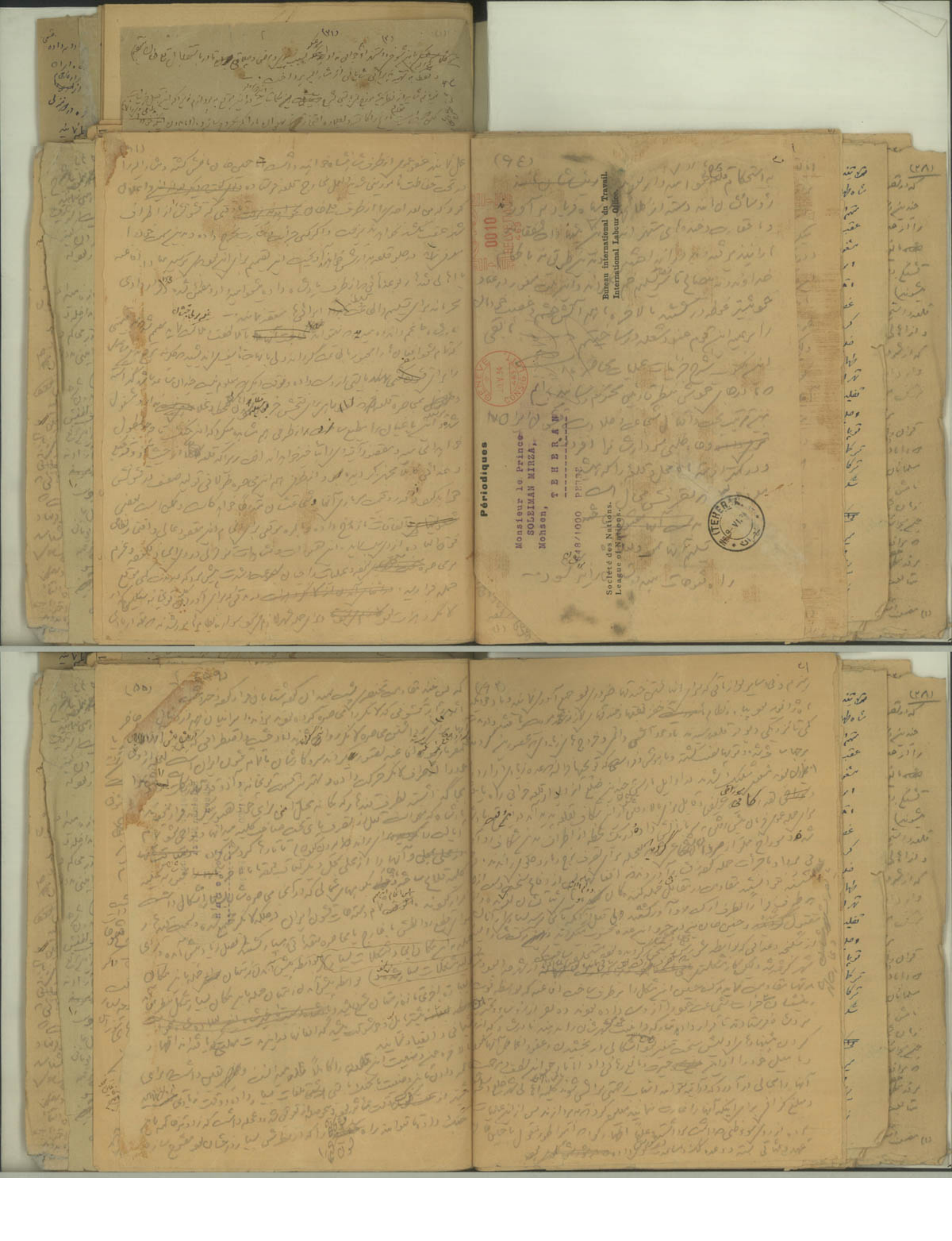


Periodiques
Monsieur le Prince
Soleiman Mirza
Mohsen
Teheran
Perse
S48/1000
Société des Nations.
League of Nations.
Bureau international du Travail
International Labour Office.

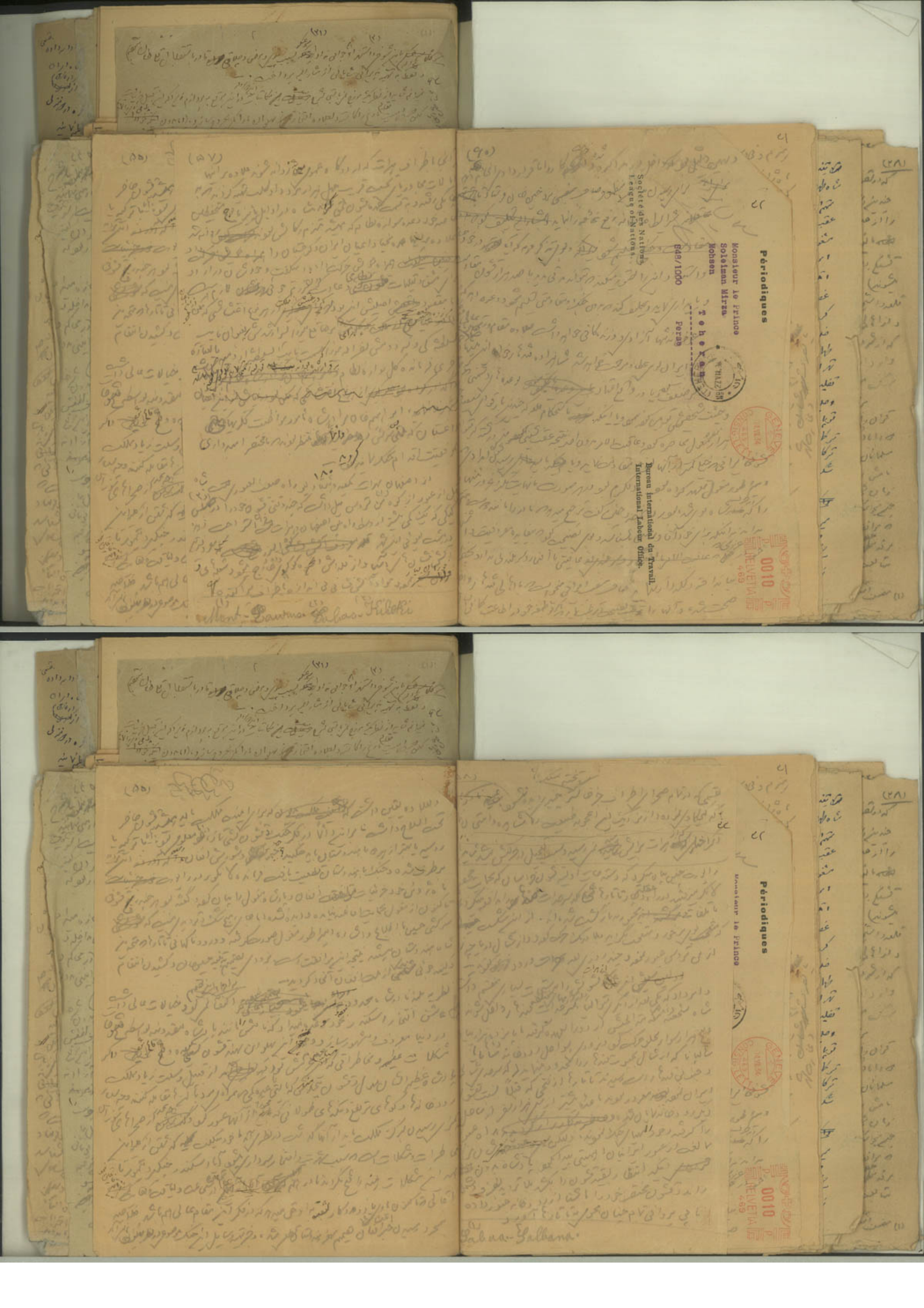

Bureau international du Travail.
International Labour Office.
Périodiques
SOCIÉTÉ COOPERATIVE
Société des Nations
League of Nations

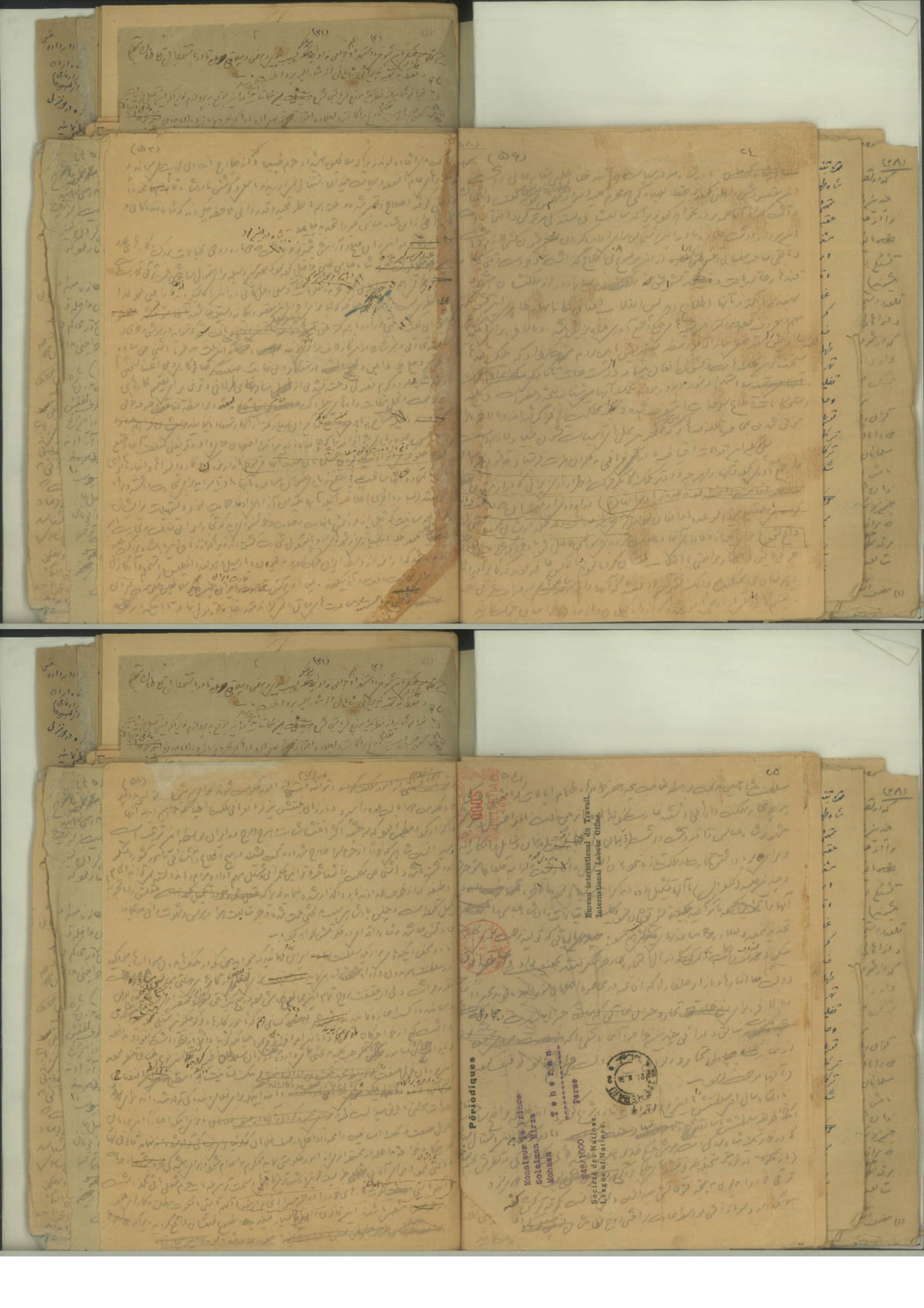


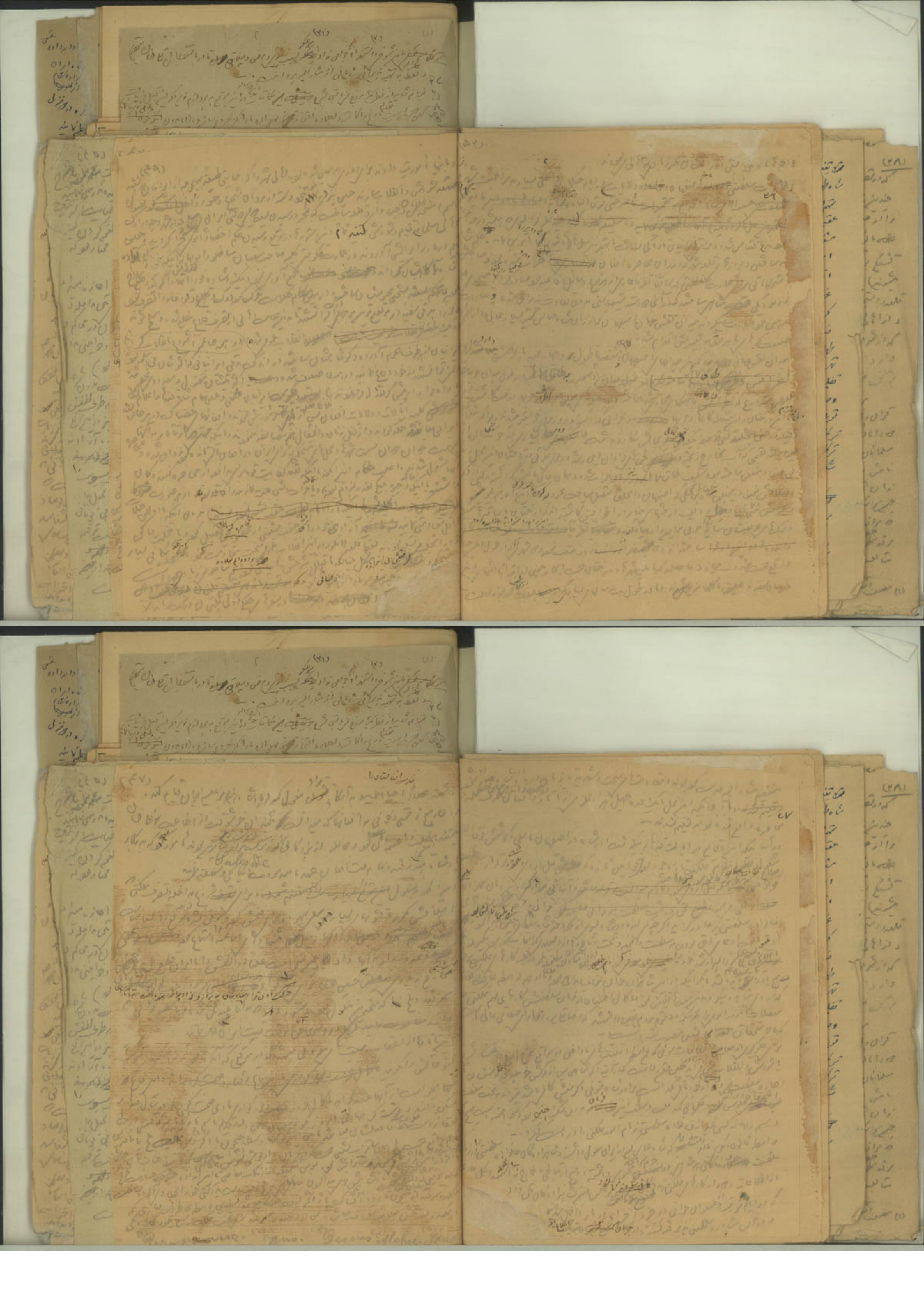
Bureau International du Travail.
International Labour Office.
Périodiques
Monsieur le Prince
Soleiman Mirza
Mohsen
Teheran
Perse
S48/1000
Société des Nations.
League of Nations.



Périodiques
Monsieur le Prince SOLEIMAN MIRZA,
Mohsen,
TEHERAN
848/1000
Société des Nations.
League of Nations.
Bureau international du Travail.
International Labour Office.
0010
GENEVE


Périodiques
Monsieur le Prince
Soleiman Mirza
Mohsen
Teheran
Perse
648/1000
Société des Nations
League of Nations
Bureau International du Travail
International Labour Office.
Périodiques
Monsieur le Prince


Bureau International du Travail
International Labour Office
Périodiques
Monsieur le Prince
Soleiman Mirza
Mohsen
Teheran
Perse
Société des Nations.
League of Nations.



(۲۱)

(۴۱)

(۴۰)

(۳۸)

(۳۷)

(۳۹)

(۴۲)

۴۱

(۳۷)

[illegible]

کردستان از جنوب و شمال این جبل [illegible]

[illegible]

1) Piémont – (2) Catalogne (3) Ibères – (4) Eg[illegible]

۴۲ ۴۱ (۴۰)

[illegible]

(۳۸)

۴۴ (۳۹)

[illegible]

۴۳

[illegible]

(۲۱)

[illegible]

(۳۱)

[illegible]

(۴۵)

[illegible]

Metelin

(۳۰)

۴۶

[illegible]

۴۵

سربازان ترک [illegible]

[illegible]

۱۲۵

[illegible]

(۲۰) ۴۷

قلی خان سردار خواهند داشت وحشتناک گشته و زننده گردید و تا قوه داشتند سعی
وافر کردند بعضی ها خود را به رودخانه کور انداختند تا آبهای رودخانه را ما بین خود و دشمن حایل
نمایند و قسمت دیگر تا به گنجه با تاخت عقب نشستند و به اردوی ترک ها ملحق شدند.
اما ایرانی ها حرکتی نکرده و به طرف رودخانه جیون نمودند و به همین قناعت کردند که مانع از پیش روی
تاتارها شده و صف دیگر ایرانی ما بین آنها اعداش کرده اند و منتظر اجازه نایب السلطنه بوده خود شدند.
نایب السلطنه نصف قشون شاهزاده را در سر جای توپخانه گذاشته و با نصف دیگر خود تبریز را دید
در بیانی به پرسش فرستاد که از رودخانه عبور کرده به ایروان رفته و شهر را محاصره نماید و با قوای
دیگر را مقابل جمعا به او امر شده [illegible] را تصرف نمود و بعد گنجه را محاصره کند
قلی خان برای شکست خوردن تنبیه کردن عربها را سیر نمود و با اردوی خود مستقیما از سمت
نواحی لنکران تخریب این شهر حرکت کرد در موقع حرکت سیمونوف های تبریز متوجه شده
شده و نقاط را به نظر اسلحه ساق شاه را نمودند آنها را با ملاطفت بسیار پذیرائی
نمودند و نتوانست حرکت شاهزاده داد ممکن سؤال نمود چیز مطلع شده و انسون
نفت را همیشه از انسون ها را تمجید مینماید ملت فرانسه را حرکت داده
بسیار محترم میدانند قشون و قدرت ما را تمجید مینماید همیشه بارها از فرانسه
ایران متمایز رفتار خواهد شد (که با اتباع فرانسه در ایران همیشه به طور خصوصی رفتار
خواهد شد) سیمونوف که خود را مستغرق الطاف شاهانه دید در موقع الاعتیم کمر را
سعادت و همراهی نسبت به سیمونوف ها و دولت های فرانسه در شامی عرض کردند قلی خان جنگ
حالت شاهی بیان کرد و تنبیه را بود و با همه جواب داد که این شهر استحقاقا نه خود تنبیه و غضب
بود شد و مقیم گشته است بنیادش را از بیخ و بن بقیمی انداز که آثاری از بنیاد کهنه
نمانده و طرحی از نو طرح ها گردد و کشتی را آباد کنید [illegible] تمام [illegible] سیمونوف را
[illegible] ضرر و خسارتی متوجه خواهد شد [illegible] عمل دیگری [illegible]

(۲۱)

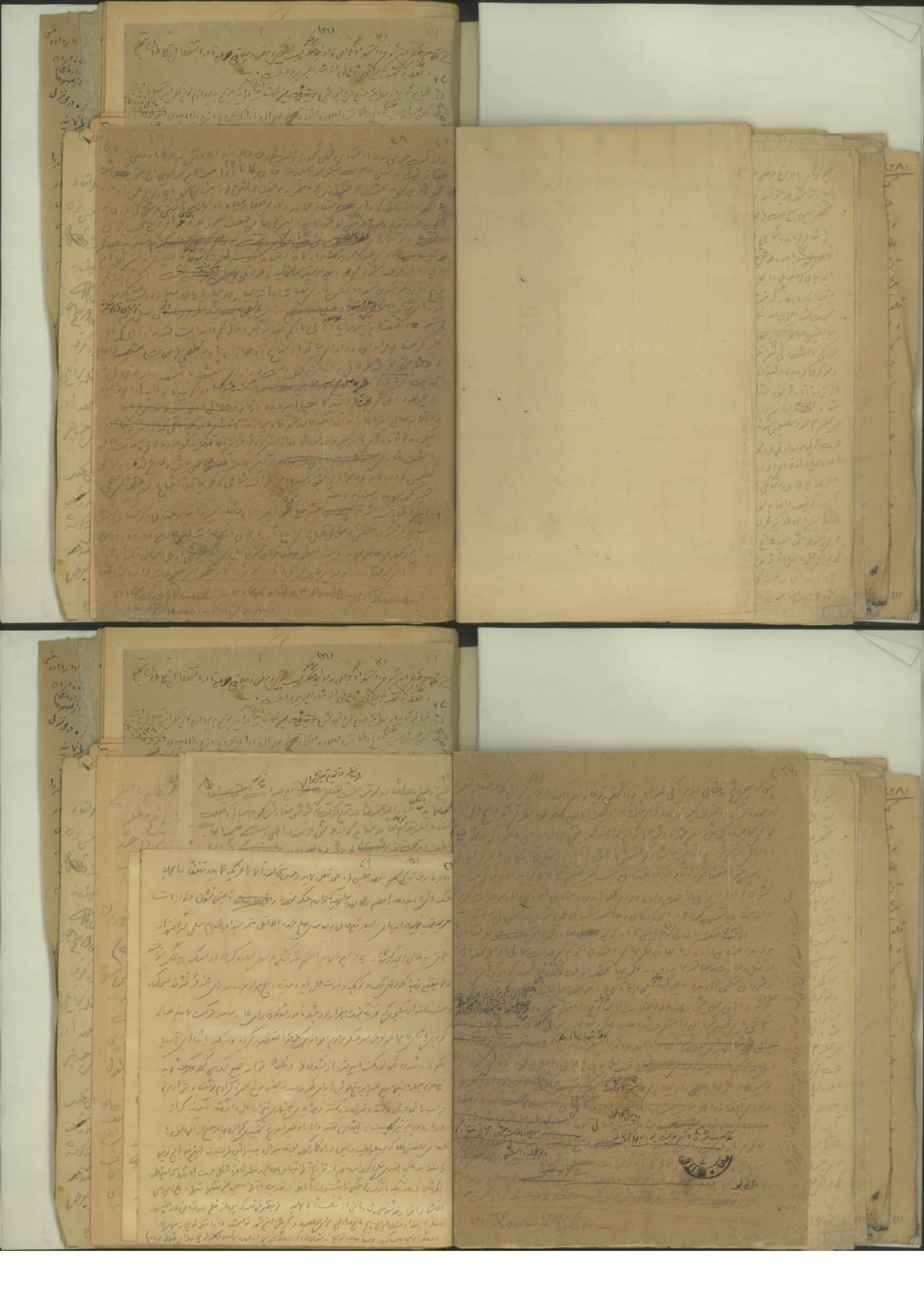
دست سلاطین ما نزد کل ضربات بسیاری به وارد نمود این توپ تقریبا چهل برابر هر جنگی از او
قسمتی لزوم گزارش داد که آن تاتار خراسان و بقیه ایرانی بودند. در ماه شعبان که دو هزار
که در آنجا دیر نایب السلطنه در این محل حاضر شده در ماهی که آنها را بجهت گرفته بود این
عده از ماه زندران حرکت کرده پیوسته از ساحل دریا عبور کرده در گیلان و نقاط
گرفته در دست بعضی با ساحل ارس رسیدند تاتارها از طرف دیگر نمایان شده و تعقیب
حمله به این ایلات را داشتند. —

نهال دیالی که چون از ایران که کم بزرگ است و تقریبا هر الاخص از تبع دیگرها جدا شد
بین رودخانه ارس و شعب رودخانه کور دیگر جزو گیلان واقع دارد و ما بر در دست (ایالتی)
از حفاری قدیم درست رودخانه ارس در به اشتداد چهار فرسخ بزرگی فرو می رود و مجددا که
عرض بر از اول با جریان بسیار آرامی خارج گشته و جویی تا معبر بود با برائیت است جریان
العاده این رودخانه از زمستان قدیمه ذکر شده است هم با بر گفتند که از شعرای آن قرن طغیان
رودخانه نافرمان (متمرد) کردیده و شاعر را در وحشی زموده آرامی رودخانه است[1] حال
تحمل نمیکند و ملاحظه پل ها که مالک اسکندر با اسم دنیا برادرشی زده بود خراب کرده و دوباره بنا نکنند
تا عرض این رودخانه بین از این (آن را مطیع ساخت)[2] مطیع و فرمان بردار می‌شود و تحمل هر نوع بنائی را که بخواهند
بر روی آن سازند بنماید چنانچه پل طرفین دو و میله مستحب کوه دارس در عظمت شاه عباس بنا
ساخته شده و تاکنون برقرار است.

ما اندر بین ایرانیان برای خرابی آنها دائم اطراف رودخانه متعجب شده و قصور کرده مانند کر با ملیو

(۲) لغت آخر را بیرون در موقع استقلال میکند که آب از جلوی بر برود (ساقط شود) ایجاد از بهجتو
عبور که آب از ارتفاعی به پائین سقوط کند ناپدید شده آمده که برای هو شود و به دو
حرکت و شدت جریان می‌باید مع ذلک لغت آبشار را نوشته ام چونکه در متن جنسی نوشته شده است.

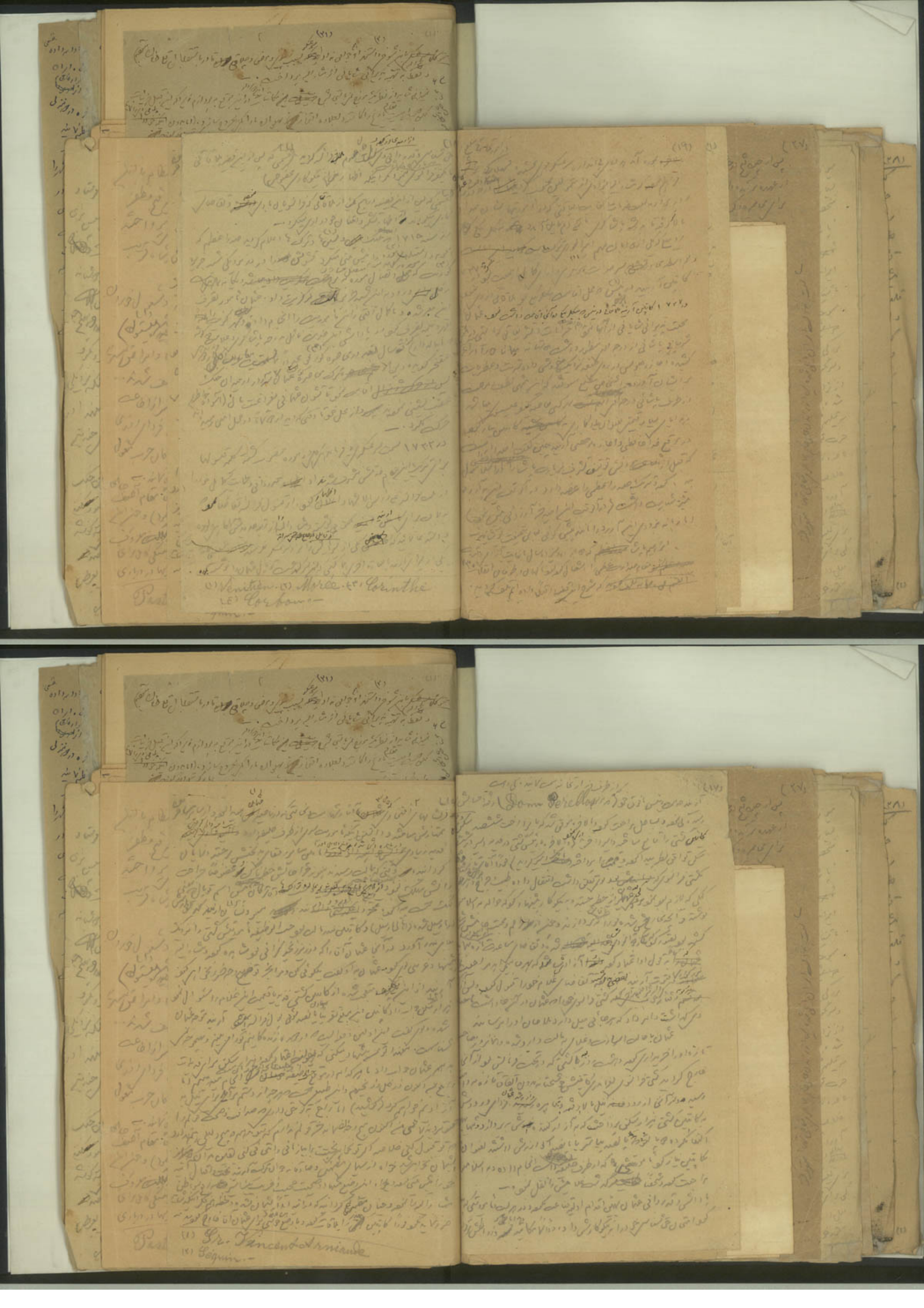
(1) Pontem indignatus Araxes

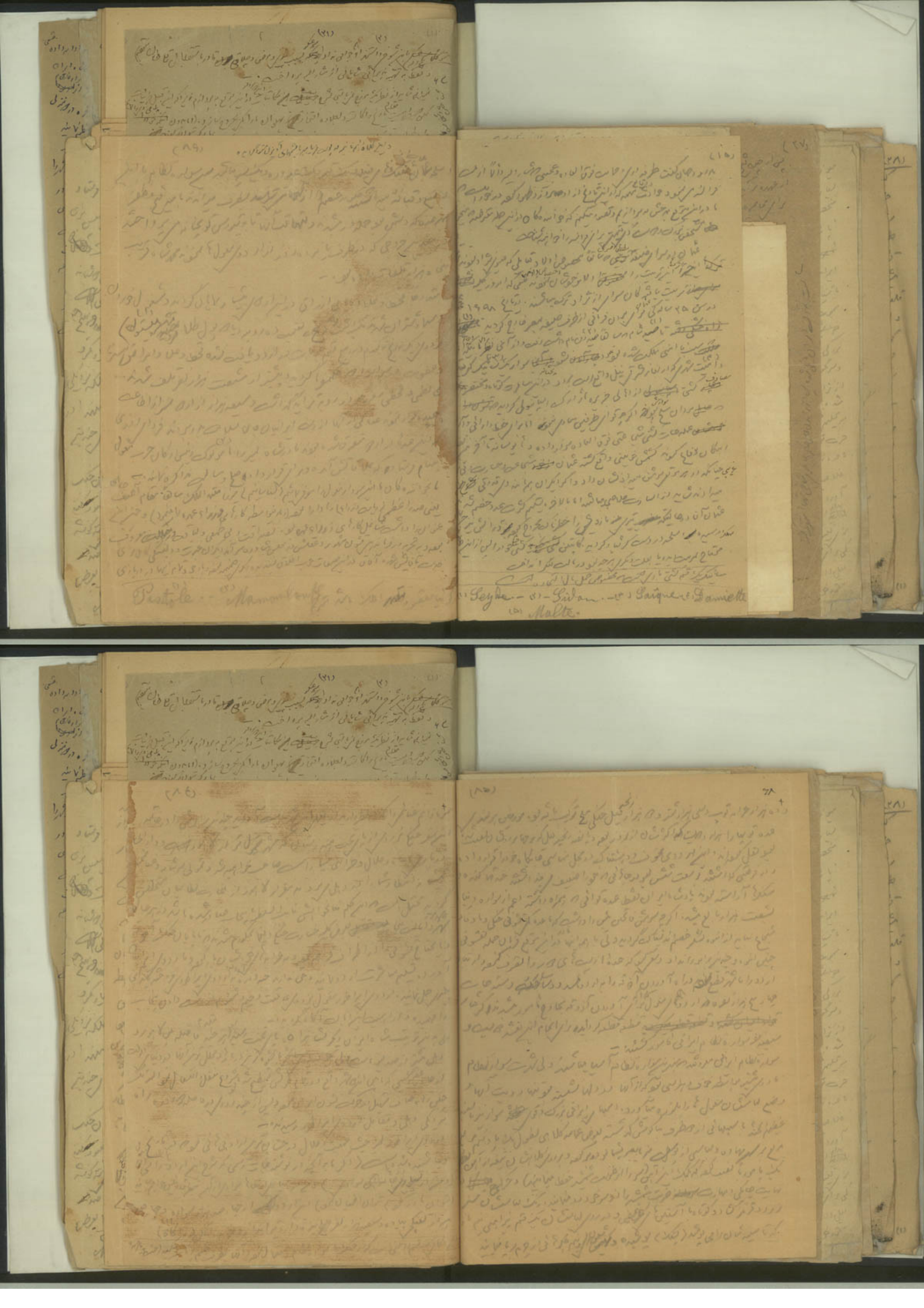


(۲۵)

این قصد را تصحیح کرده و کلیه املاکش را وقف مسجد کرده بعد و مولفش را ارشد اولاد [illegible] نسل بر نسل قرار گردانیده. این احتیاط در این مملکت منفعت نظر اکثر مردم است و [illegible] الف که [illegible] خود را [illegible] [illegible] اولاد وقف [illegible] زیرا [illegible] که [illegible] و [illegible] وقف [illegible] استعدادی [illegible] فروش [illegible] و [illegible] [illegible] آخرین شخص واقف [illegible] بگیرد از [illegible] [illegible]

[illegible] اغتشاش و [illegible] کامل و [illegible] [illegible] در تمام [illegible] [illegible] و در [illegible] [illegible] و [illegible] اثبات کرد که [illegible] ۱۹ [illegible] شوکت و [illegible] از [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] در شهر [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] ([illegible]) [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] ایران [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] ایران [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] ایران [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] دولت ایران [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]





(۸۹)

(۱۵)

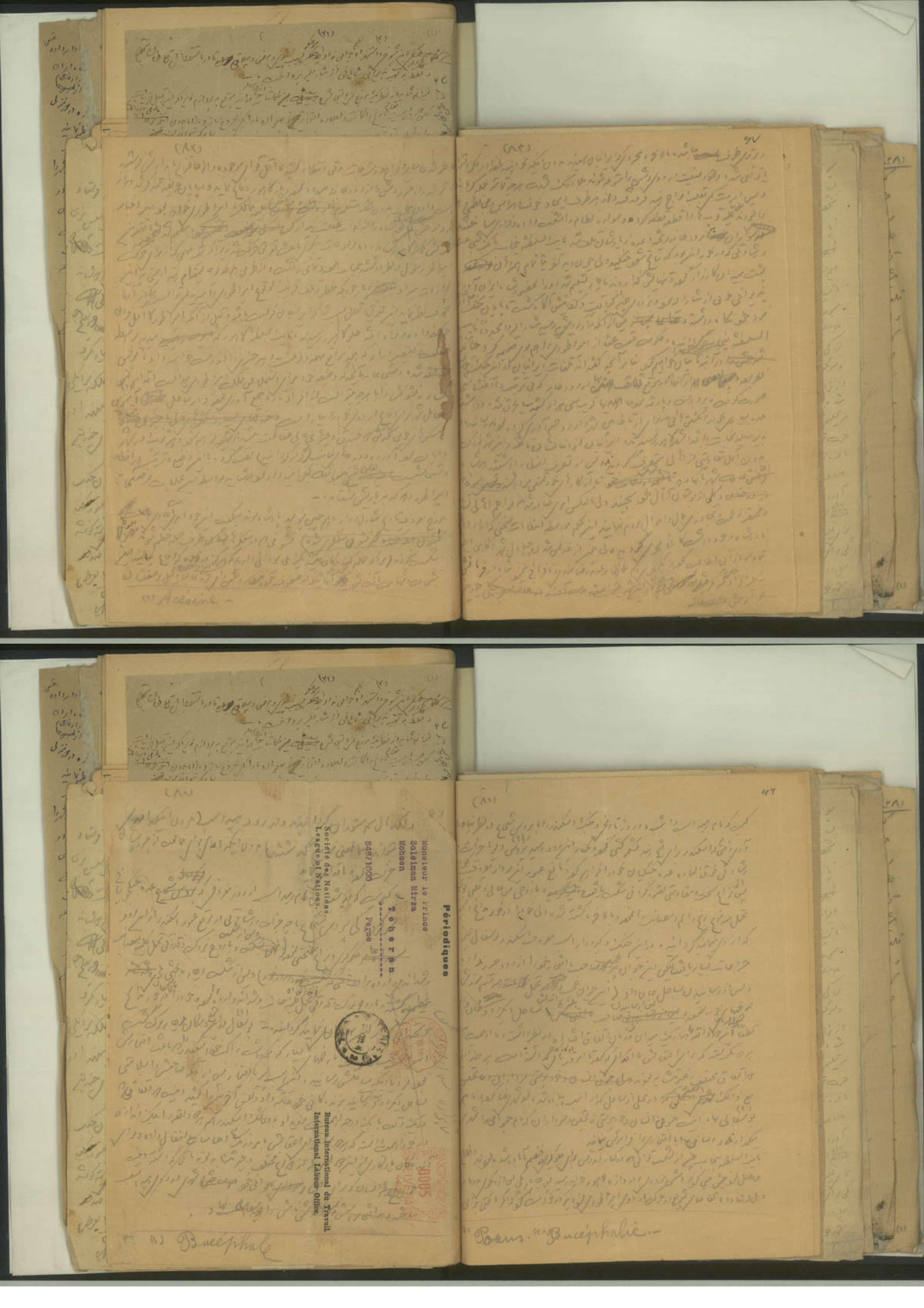
(1) Pistole — (2) Mamoudieh

(1) Seyda — (2) Sidon — (3) Saique — (4) Damiette

(5) Malte

(۸۴)

(۸۵)


Périodiques
Monsieur le Prince
Soleiman Mirza
Mohsen
Téhéran
848/1000
Perse
Société des Nations
League of Nations
Bureau International du Travail
International Labour Office
(1) Bucephale
(1) Paris. (2) Bucephalie.-

(۵)

[illegible] ... (۱) ... [illegible]

[illegible]

(۴)

[illegible] ... ۱۹ ... [illegible] ... ۲۹ ... [illegible]

[illegible] ... ۱۷۳۳ ... [illegible]

[illegible]

(۱)

Mahattam

۸۲

(٧)

[illegible]

(٩)

٦١

[illegible]

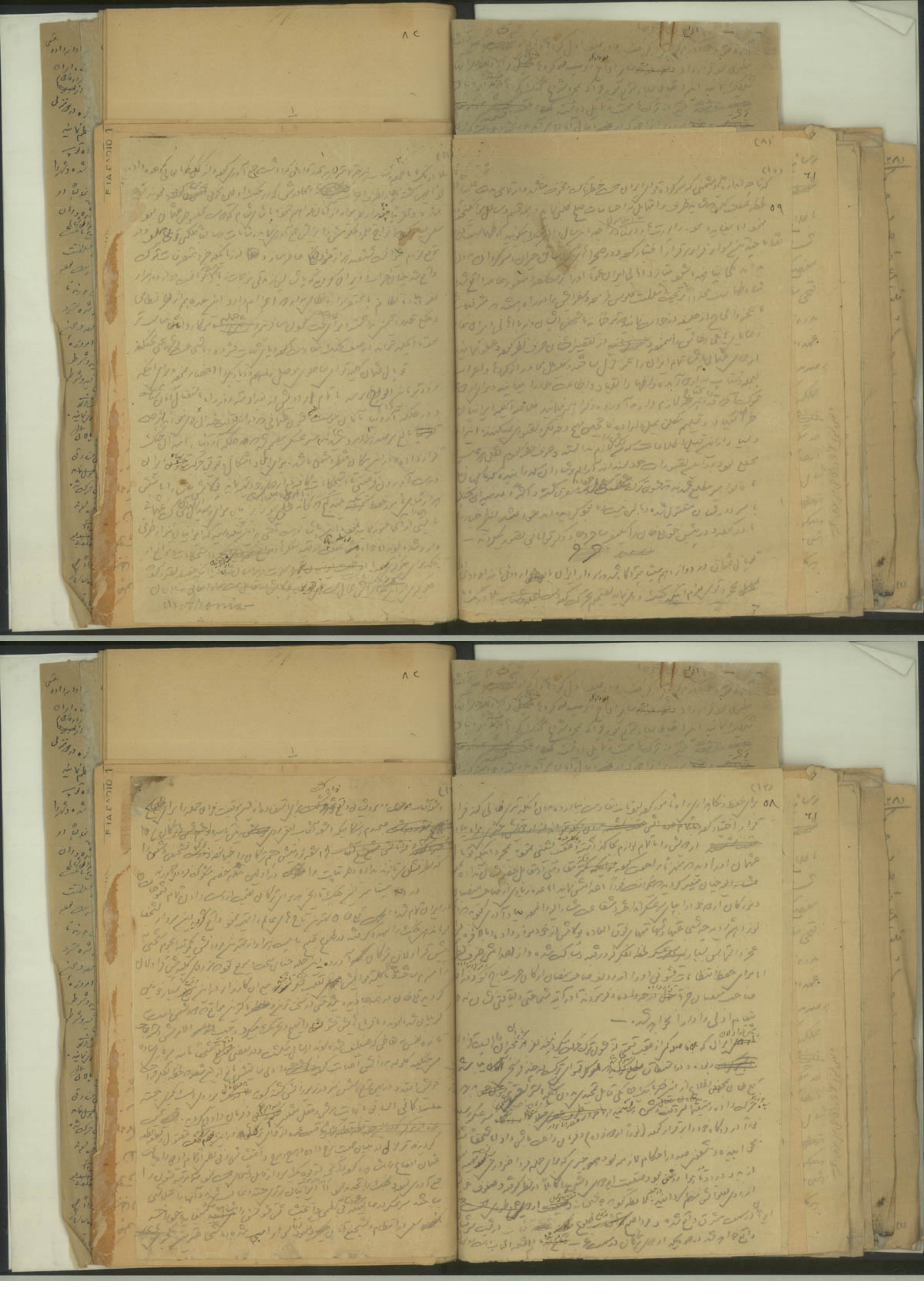
(١) Natolie – (٢) Cutaia – (٣) Romelie

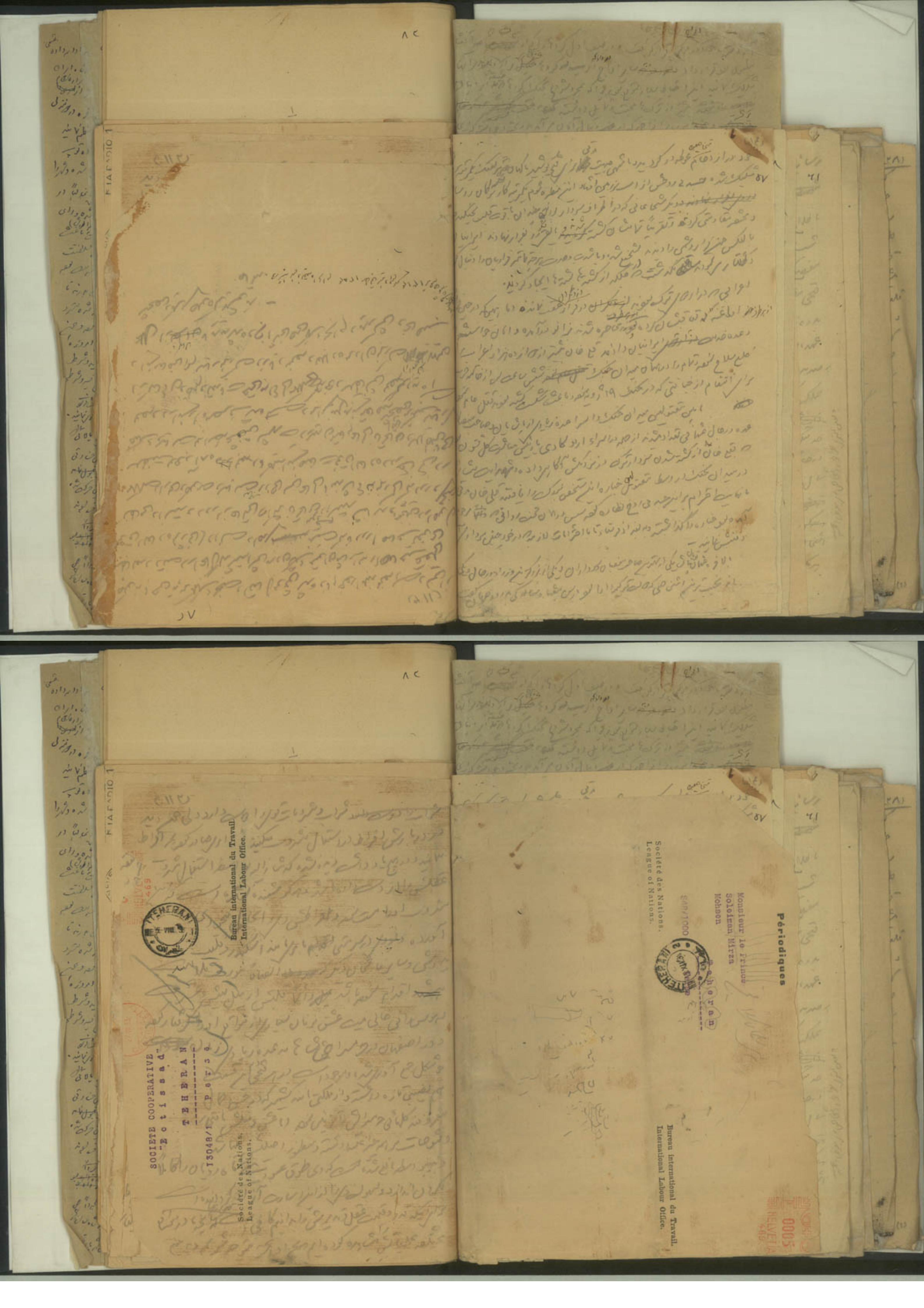
٨٢

(٨)

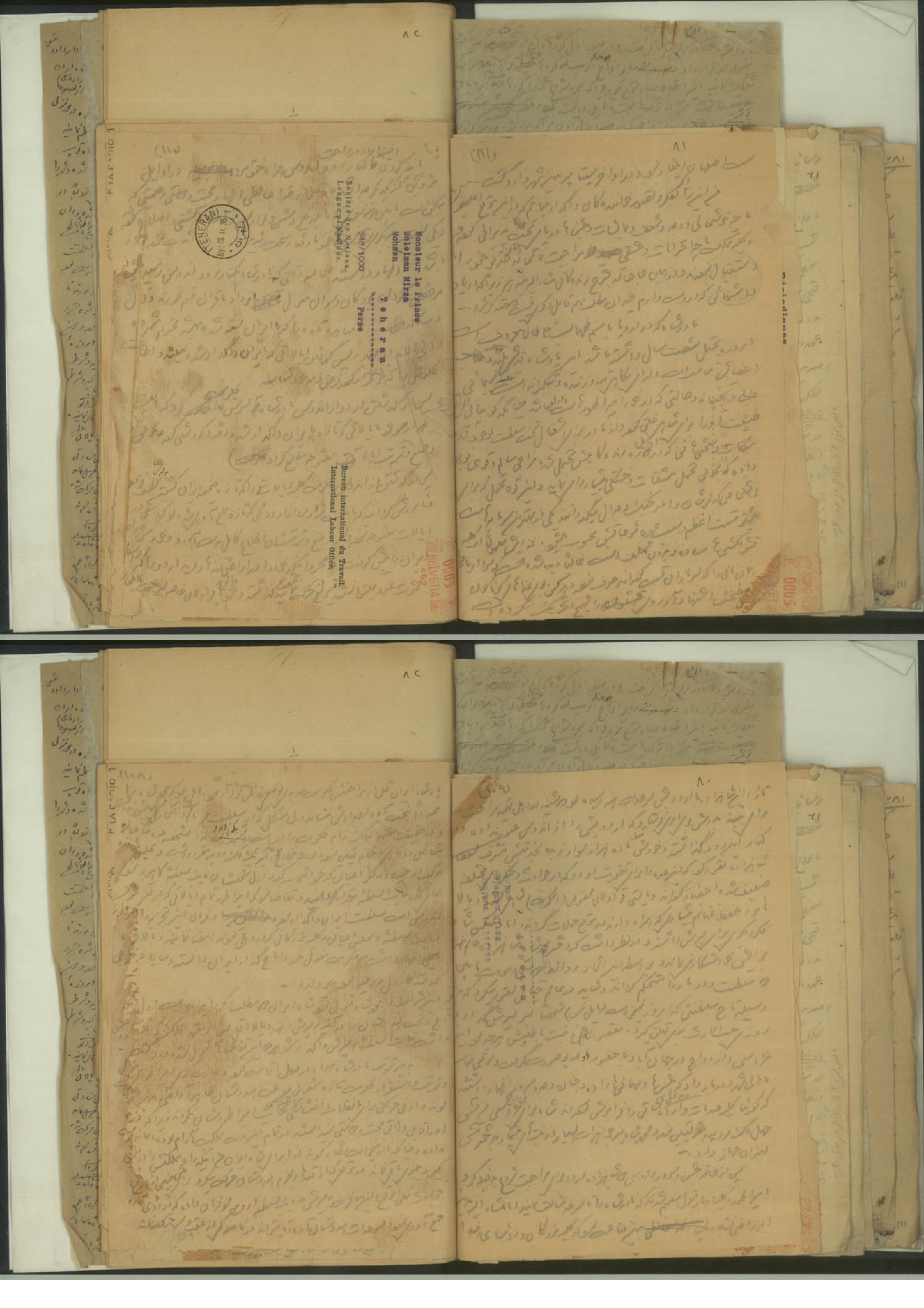
٦٠

[illegible]

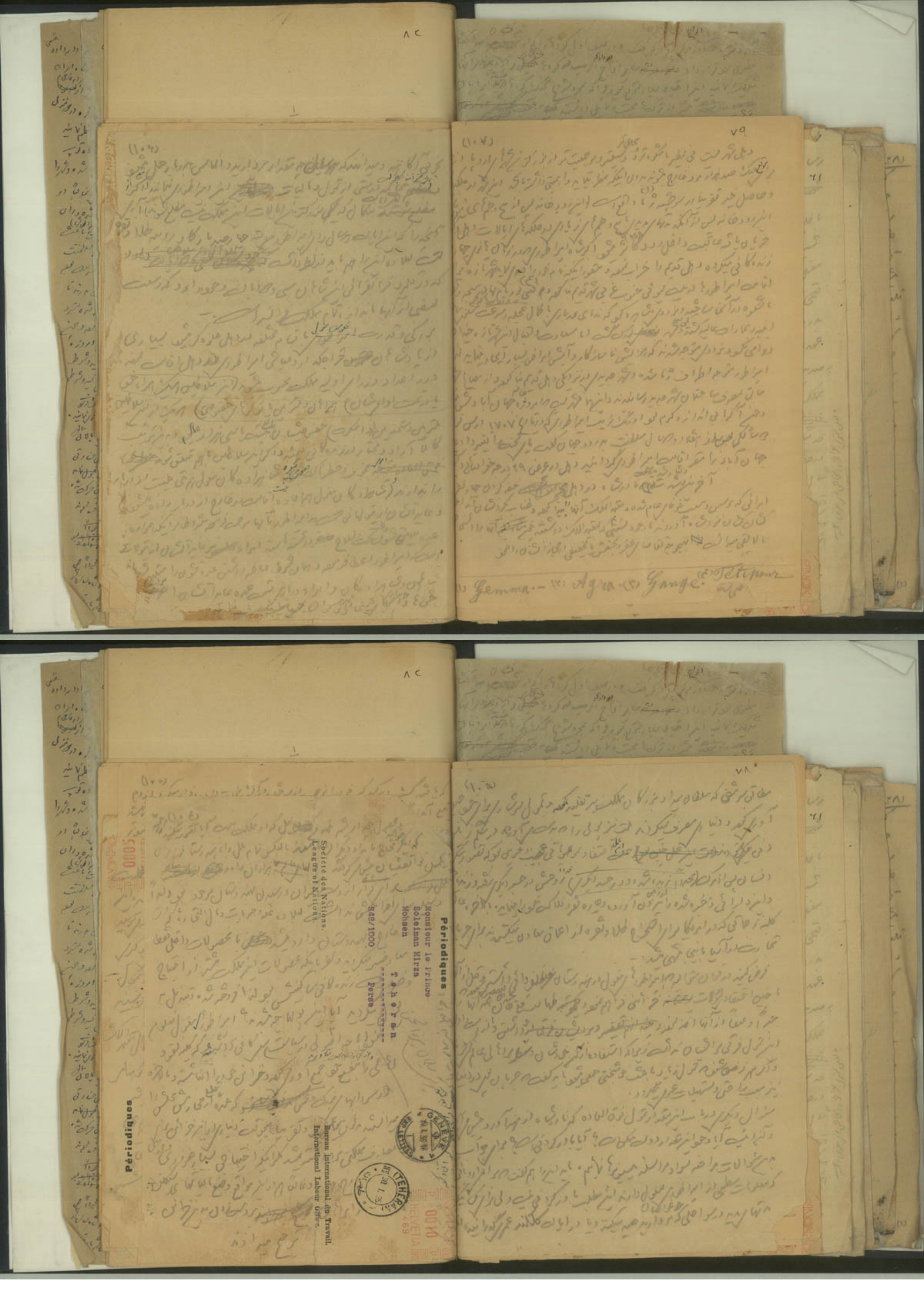




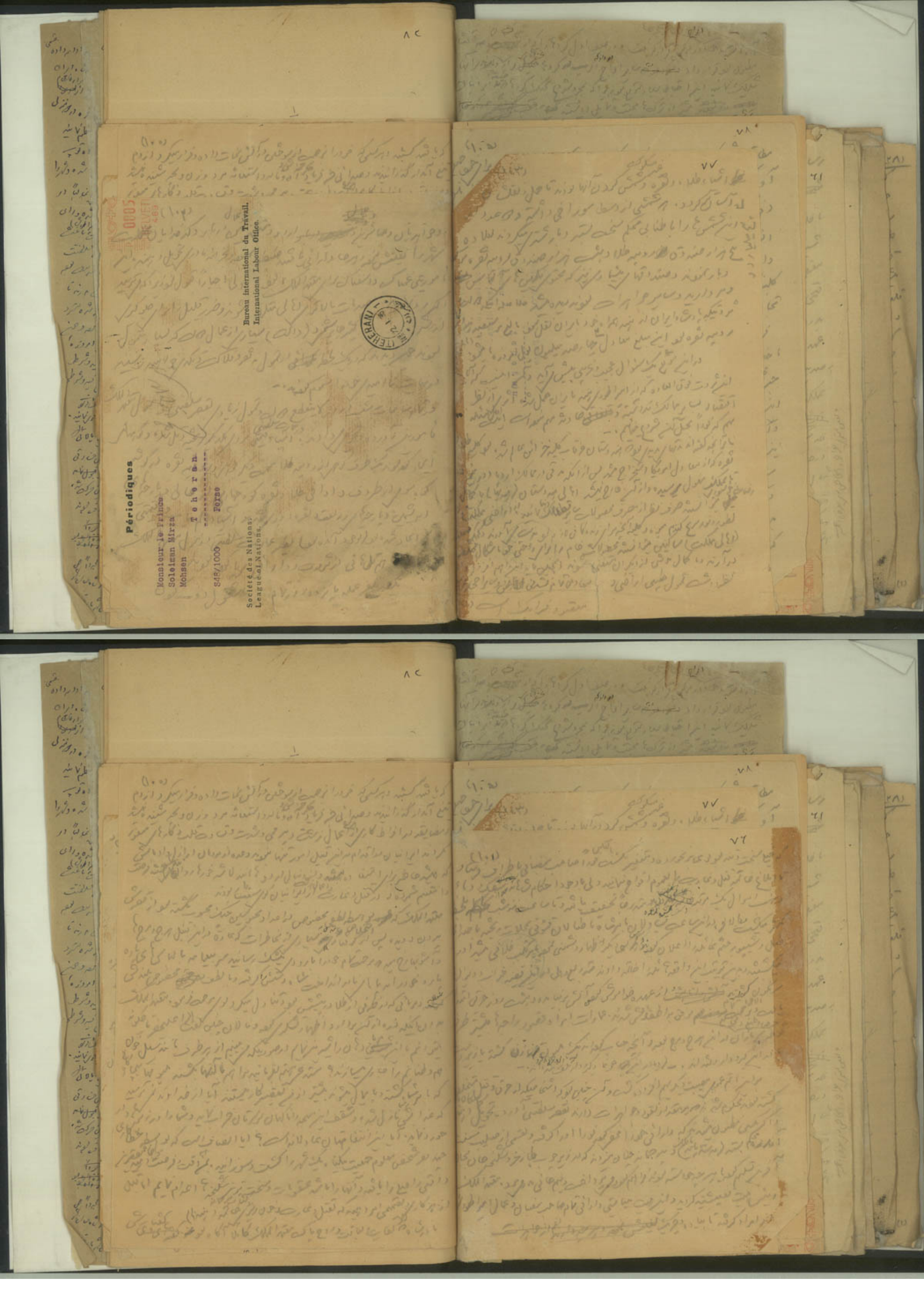
Bureau international du Travail.
International Labour Office.
SOCIETE COOPERATIVE
"Botissad"
TEHERAN
Société des Nations.
League of Nations.
Périodiques
Monsieur le Prince
Soleiman Mirza
Mohsen
Téhéran
Société des Nations.
League of Nations.
Bureau international du Travail.
International Labour Office.

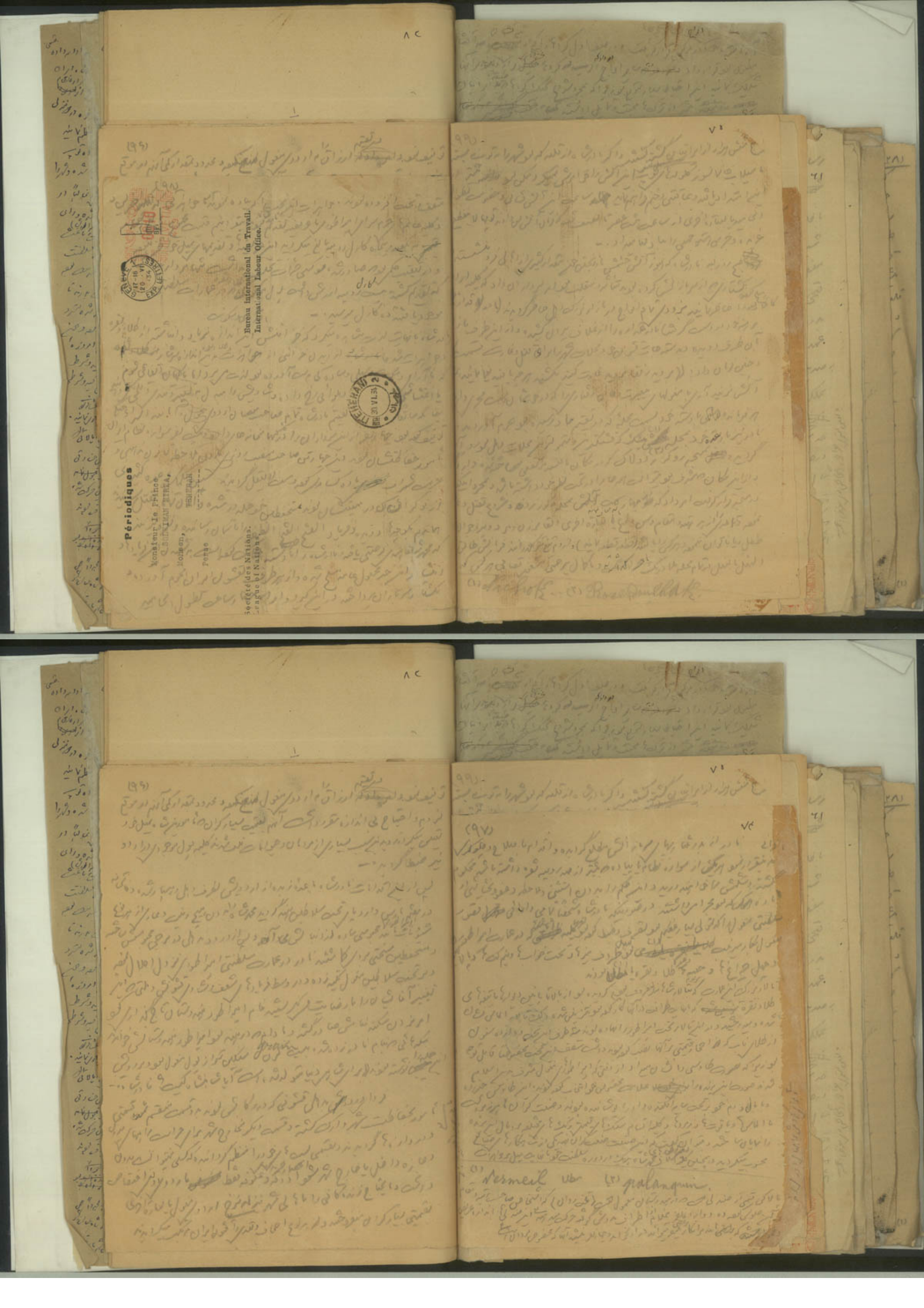


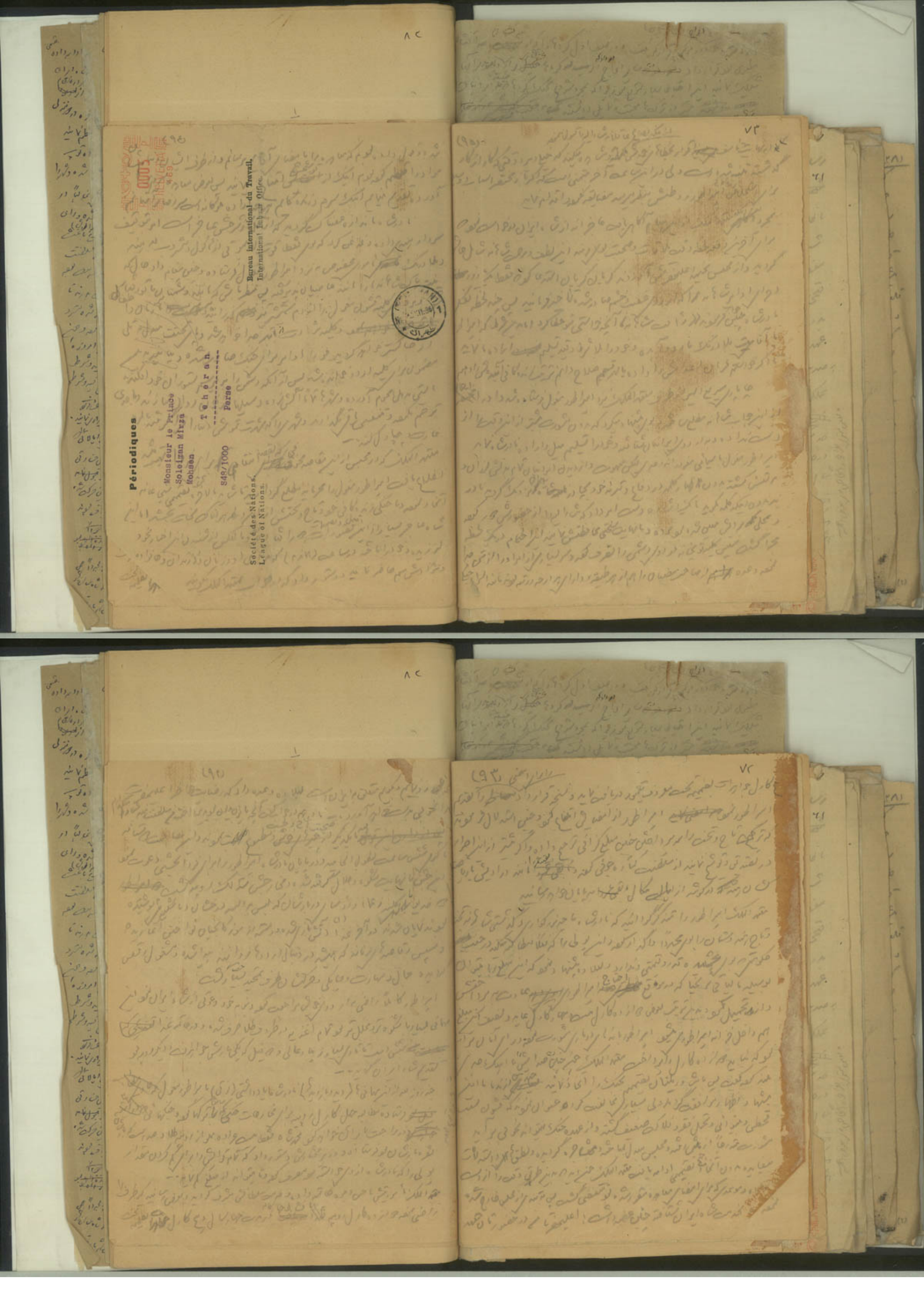
٨٢
٨١
Monsieur le Prince
Soleiman Mirza
Mohsen
Teheran
Perse
548/1000
Société des Nations,
League of Nations.
Bureau International du Travail
International Labour Office
HELVETIA
0005
469
TEHERAN
٨٠

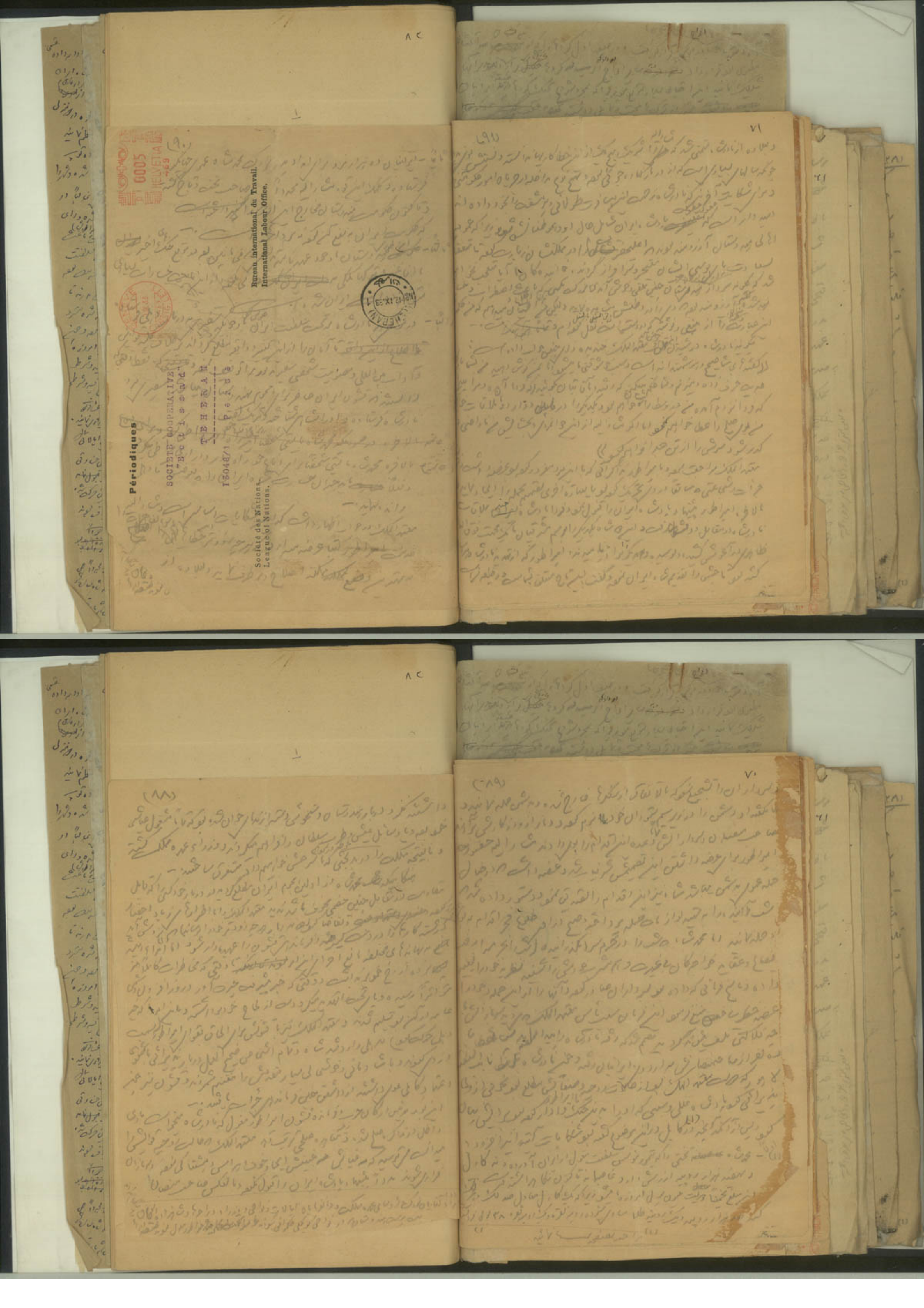


٨٢
٧٩
(١٠٧)
(١٠٦)
Gemma -- Agra -- Gange
٧٨
(١٠٥)
(١٠٥)
Périodiques
Monsieur le Prince
Soleiman Mirza
Mohsen
Téhéran
548/1000
Perse
Société des Nations.
League of Nations.
Bureau International du Travail.
International Labour Office.
GENEVE
TEHERAN
Périodiques

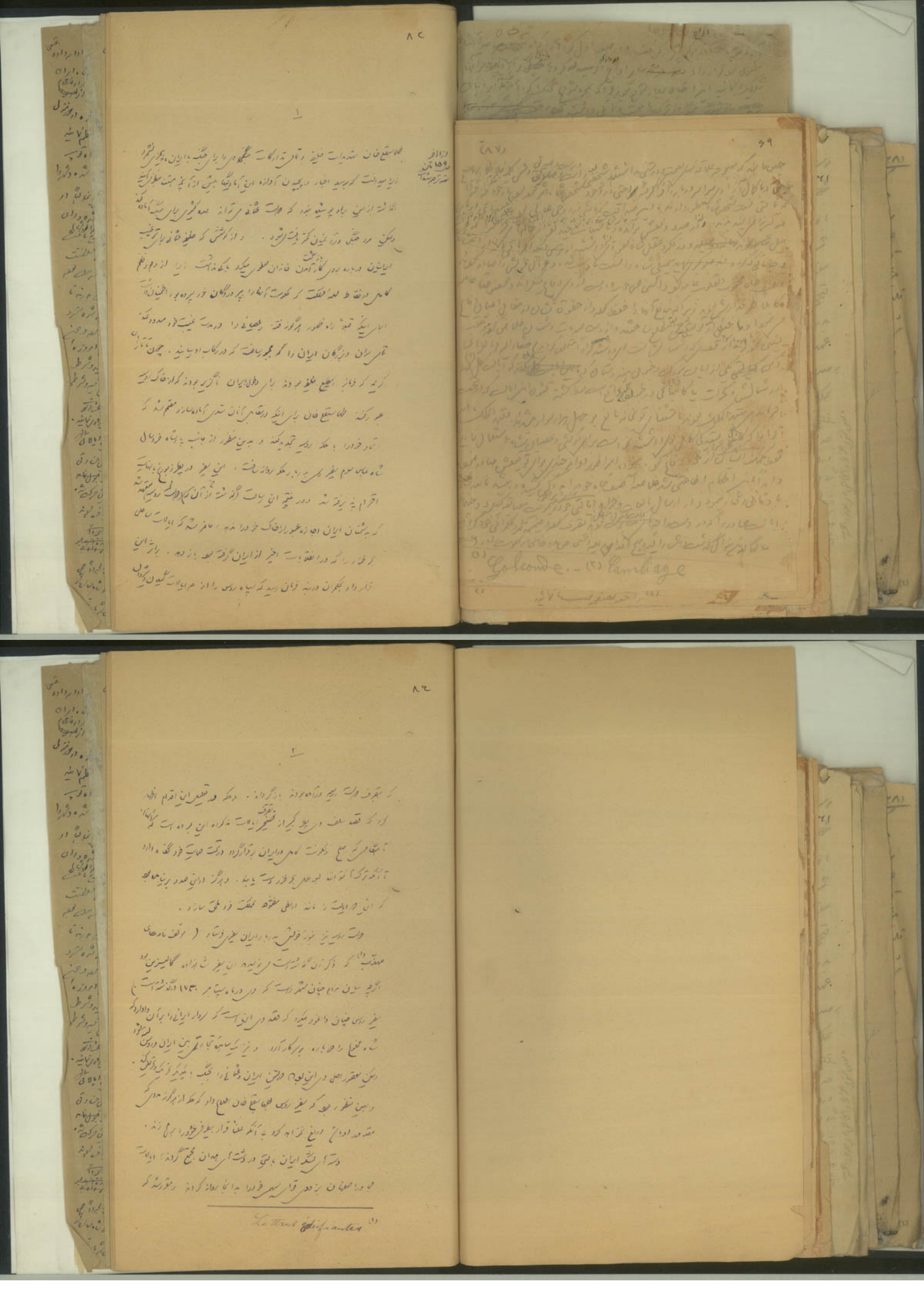

Bureau International du Travail.
International Labour Office.
Périodiques
Monsieur le Prince
Soleiman Mirza
Mohsen
Teheran
Perse
S48/1000
Société des Nations.
League of Nations.

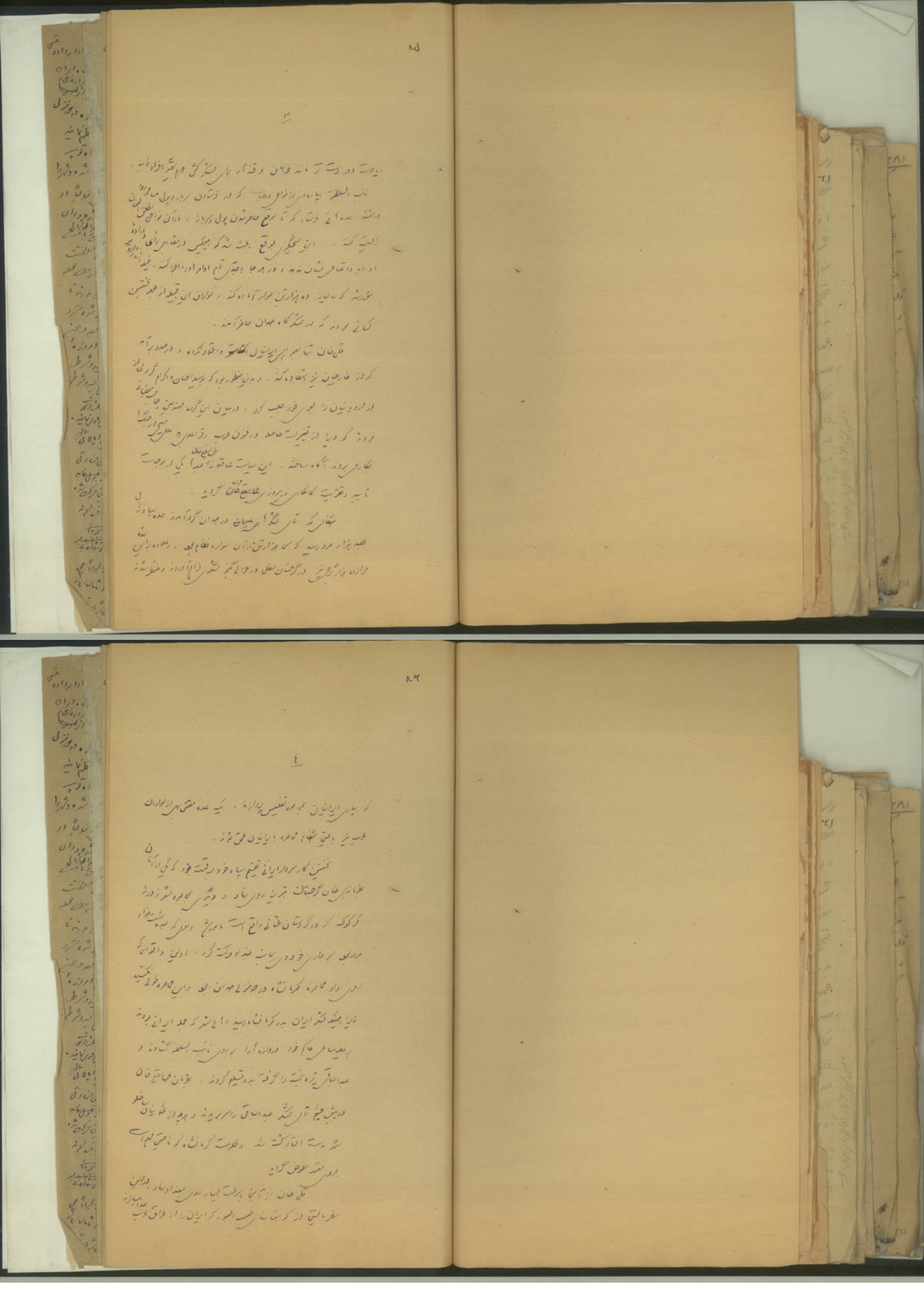

Bureau International du Travail.
International Labour Office.
Périodiques
Société des Nations.
League of Nations.
Perse
ILL
ILL
ILL
ILL
(97)
vermeil
palanquin


Périodiques
Monsieur le Prince
Soleiman Mirza
Mohsen
Téhéran
Perse
S48/1000
Bureau international du Travail
International Labour Office
Société des Nations
League of Nations



Périodiques
SOCIETE COOPERATIVE
TEHERAN
I 8048/1
Bureau international du Travail
International Labour Office.
Société des Nations.
League of Nations.
HELVETIA





۳

ایالات دور دست را مانند طهران و قندهار برای لشکرکشی هم مهیا و آماده نماید.
نایب السلطنه پیاده ای از نواحی [illegible] که در زمستان سرباز و پول [illegible] مأمور و روانه
داشته بود [illegible] تا رفع حاضر شدن پول و سرباز، [illegible] آن نواحی مطلق العنان
الحکم کنند. این تصمیم موقع باعث شد که همیشه در مقابل رأی و اراده
او از اطاعت سر باز زنند و در هر جا به حقوق تام اوامر او را اجرا کنند. قبلاً
مقرر شد که هر ایالت ده هزار تن سوار آماده کند و سواران این قبیله از حد نخستین
کسانی بودند که در لشکرگاه تهران حاضر آمدند.

قلی خان تنها به اهالی ایالات [illegible] اعتماد نکرده و در صدد برآمد
که از خارجیان نیز استفاده کند. و بدین منظور بود که به وسیله احسان و اکرام گروهی از
اروپائیان را بسوی خود جلب کرد. در میان این گروه مهندسین و صاحب منصبانی
بودند که [illegible] از تغییرات حاصله در فنون جنگ [illegible]
[illegible] آگاه ساخته. این سیاست عاقلانه [illegible] یکی از موجبات
تأیید و تقویت کامکاری و پیروزی [illegible] گردید.

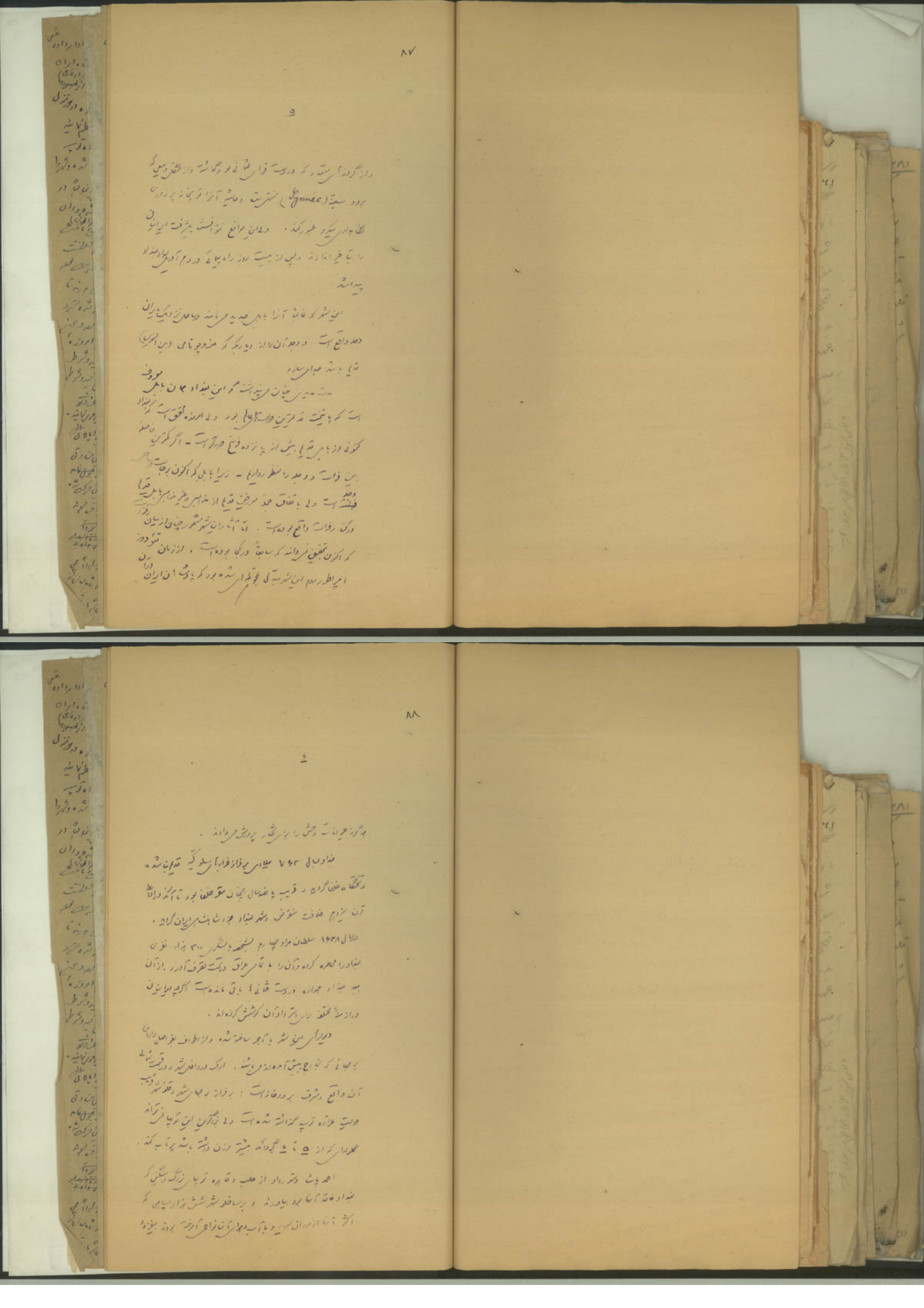
هنگامی که تمام لشکرها [illegible] در تهران گرد آمدند عده پیاده از
صد هزار مرد رسید که سی هزار تن از آن سواره نظام بود. علاوه بر این
دوازده هزار گرجی نیز در گرجستان [illegible] در حوالی گنجه لشکری فراهم آورده و مشغول شده

٤

که بیاری ایرانیان به محاصره تفلیس پرداخته. یک عده [illegible] از سواران
عرب نیز [illegible] هنگام محاصره با ایرانیان ملحق شوند.

نخستین کار سردار ایرانی تقسیم سپاه خود در [illegible] بود که یکی از آنان
[illegible] خان گرجستان به تبریز روی نهاد و دیگری به محاصره شهر زور و شهر
کرکوک که در کردستان عثمانی واقع است [illegible] که به عده شش هزار
مرد [illegible] برای خود [illegible] بغداد حرکت کرد. اولین واقعه ای که
روی داد محاصره کرمانشاه [illegible] تهران [illegible] و این محاصره طولی نکشید
زیرا همینکه لشکر ایران به کرمانشاه رسید اهالی شهر که همه ایرانی بودند
[illegible] حاکم خود دروازه ها را بروی نایب السلطنه گشودند و
عبدالباقی [illegible] را گرفته به او تسلیم کردند. [illegible] خان
در پیش [illegible] عبدالباقی را [illegible] و همه از عثمانیان [illegible]
[illegible] افتاد کشته شد و حکومت کرمانشاه [illegible]
[illegible] عوض گردید.

قلی خان از آنجا با سرعت بسیار بسوی بغداد [illegible]
[illegible] از کوه [illegible] که ایران را از عراق عرب [illegible]



و از گردبادهای منقله که در دست قوای عثمانی بود و گذشت و از [illegible] که
بود [illegible] (Synnée) [illegible] و حاشیه آنرا [illegible]
[illegible] عبور کند. و این موانع نتوانست پیشرفت ایرانیان
را تأخیر اندازد و پس از بیست روز راه‌پیمایی در [illegible] بغداد
پیدا شد.

این شهر که غالباً آنرا بابل جدید می‌نامند و [illegible] ایران
دجله واقع است و دجله آن را از دیار بکر که مزوپوتامی دیرین [illegible]
قدیم باشد جدا می‌سازد.

عده‌ای چنان می‌پنداشتند که این بغداد همان بابل معروف
است که پایتخت قدیم‌ترین دولت‌های عالم بود ولی امروزه محقق است که بغداد
کنونی از بابل قدیم بیش از پانزده فرسخ دور است - اگر کمترین فاصله
بین فرات و دجله را منظور داریم - زیرا بابل که اکنون خرابه‌های آن [illegible]
وصف شده است ولی باتفاق جمیع مورخین قدیم از مذاهب [illegible] بابل [illegible]
در کنار فرات واقع بوده است. اما آثار این شهر مشهور چنان از میان رفته
که اکنون تحقیق نمی‌دانند که سابقاً در کجا بوده است. از زمان [illegible]
امپراطور روم این شهر مبدل به توده‌ای شده بود که [illegible] ایران در آن

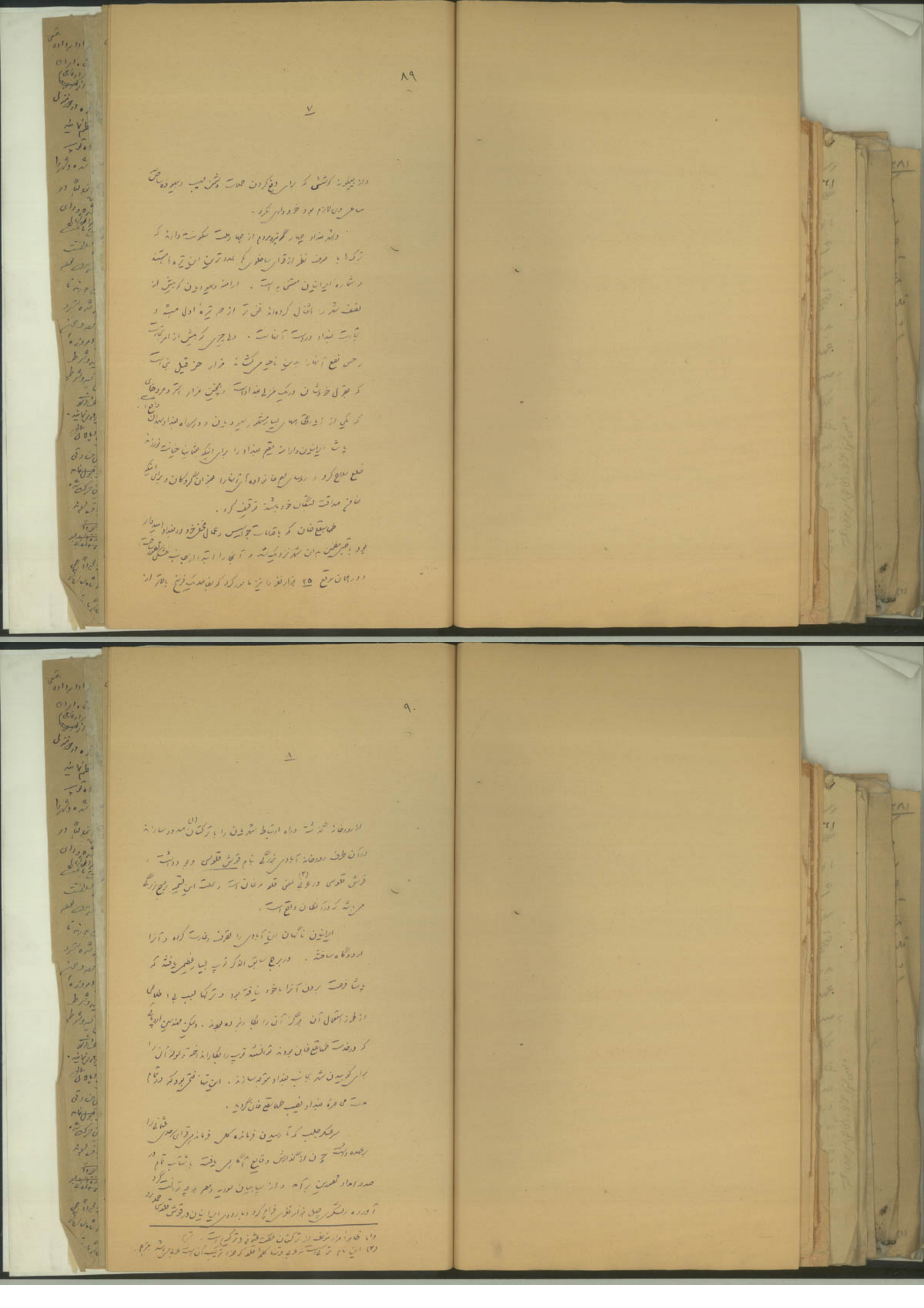
به گرد حیوانات وحشی را برای شکار پرورش می‌دادند.

بغداد در سال ۷۶۲ میلادی بر ویرانه‌های سلوکیه قدیم بنا شده
و تختگاه خلفا گردید و قریب پانصد سال ایشان متوقف بود تا آنکه در اواسط
قرن سیزدهم خلافت متوقف و شهر بغداد جزو شاهنشاهی ایران گردید.

در سال ۱۶۳۸ سلطان مراد چهارم شخصاً با لشکری ۳۰۰ هزار نفری
بغداد را محاصره کرده و آن را با تمامی عراق در تحت تصرف آورد. از آن
به بعد بغداد همواره در دست عثمانی‌ها باقی مانده است اگرچه ایرانیان
در ازمنهٔ مختلفه برای استرداد آن کوشش کرده‌اند.

دیوارهای این شهر با آجر ساخته شده و از اطراف به وسیله [illegible] دارای
برج‌هایی که [illegible] پیش آمده‌اند می‌باشد. ارگ در داخل شهر در قسمت شمالی
آن واقع و مشرف بر رودخانه است: بر فراز برج‌های شهر و قلعه شهر قریب
دویست عراده توپ گذاشته شده است ولی بزرگترین این توپ‌ها نمی‌تواند
گلوله‌ای که از ۵ تا ۶ [illegible] بیشتر وزن داشته باشد پرتاب کند.

احمد پاشا دستور داد از حلب و قاهره توپ‌های بزرگ و سنگین که
بغداد فاقد آنها بود بیاورند و بر ساخلو شهر شش هزار سپاهی که
اکثر آنها از مردان [illegible] و با آب و هوای آن نواحی آشنا بودند بیفزود



۷

داد بیهوده کوششی که برای دفع کردن حملات دشمن بعید دهیوده ساحل
ساحلی وی لازم بود خودداری نکرد.

در اطراف بغداد چهار گروه مردم از چهار جهت سکونت داشتند که
ترکها با صرف نظر از قوای ساخلوی که عمده ترین این گروه را ابسته
در شمار ایرانیان محسوب است. ارامنه و یهودیان که بخشی از
نصف شهر را اشغال کرده اند غنی تر از هر گروه اول میشد و
تجارت بغداد در دست آنهاست. دسته چهارم که بیش از امر تجارت
رحمت نفع آنها را بدین ناحیه میکشاند مزار حزقیل نبی است
که هر ساله از کلی خویشان در یک منزلی بغداد است و همچنین مزار ... و مرقدهای
که یکی از زیارتگاههای بسیار مشهور یهودیان در راه بغداد بصره واقع است.

پاشا ایرانیان ساکن مقیم بغداد را برای اینکه مبادا خیانت ورزند
خلع سلاح کرد و رؤسای قوم ها زاده آنها را بعنوان گروگان و برای اینکه
ضامن صداقت بستگان خود باشند توقیف کرد.

طهماسب قلی خان که با قوای جوانی و عمال مخفی خود در بغداد امیدوار
بود با سپاهی عظیم بسوی این شهر نزدیک شده و آنجا را ابتدا از جانب شمال محاصره کرد
و در همان موقع ۲۵ هزار نفر را نیز مأمور کرد که به فاصله یک فرسخ بالاتر از

۸

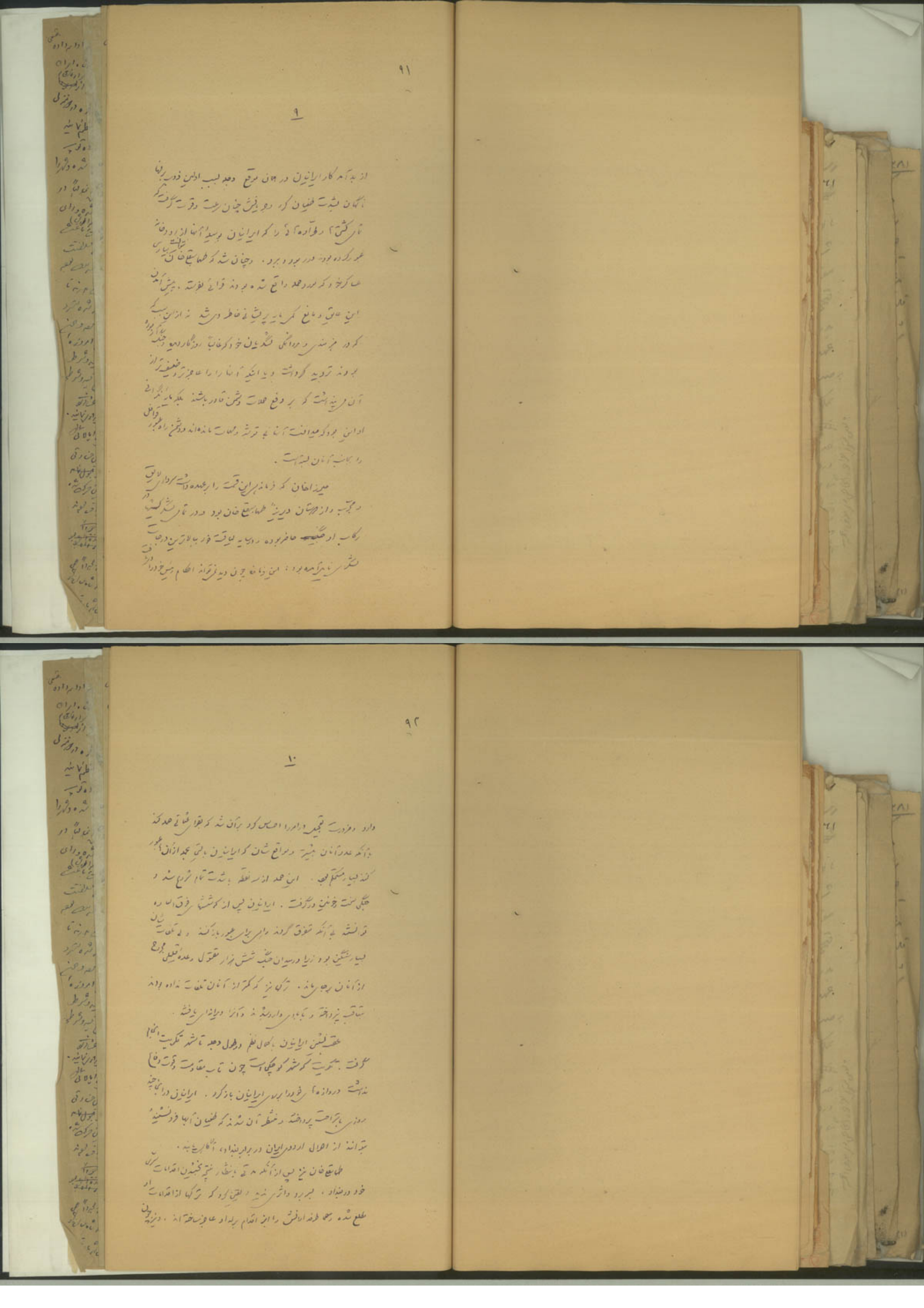
از رودخانه بگذرند و راه ارتباط شهر بغداد را با ترکستان(۱) مسدود سازند
و در آن طرف رودخانه آبادی بزرگی بنام قرش قلوس وجود داشت.
قرش قلوس در ترکی(۲) بمعنی قلعه مرغان است و علت این تسمیه برج بزرگ
مرغیست که در آن مکان واقع است.

ایرانیان ناگهان این آبادی را تصرف و غارت کرده و آنرا
اردوگاه ساختند. در برج سابق الذکر توپ بسیار عظیمی یافتند که
پاشا فرصت بردن آنرا بخود نیافته بود و ترکها بسبب بی اطلاعی
از طرز استعمال آن هرگز آن را بکار نبرده بودند. ولیکن مهندسین اروپایی
که در خدمت طهماسب قلی خان بودند توانستند توپ را بکار انداخته و لوله آن را
برای کوبیدن شهر بجانب بغداد متوجه سازند. این تنها فتحی بود که در تمام
مدت محاصره بغداد نصیب طهماسب قلی خان گردید.

سرعسکر حلب که تا رسیدن فرمانده کل فرماندهی قوای امدادی عثمانی را بعهده داشت
چون از گذارش وقایع آگاهی یافت با شتاب تمام در
صدد امداد برآمد و از سپاهیان سواره ... گرد
آورده لشکری چهل هزار نفری فراهم کرد و بار دیگر بر ایرانیان در قرش قلوس حمله برد.

---

(۱) ظاهراً مراد مؤلف از ترکستان مملکت عثمانی در ترکیه است. مترجم
(۲) این نام ترکیبیست عربی و ترکی ... کلمه قلعه که ... ترکیب آن است ... مترجم.



۹

از بد آمد کار ایرانیان در همان موقع و همه بسبب اولین فرود [illegible]
آنگاه شدت طغیان کرد و دو نفر چنان رفت و قوت گرفت که
[illegible] را که ایرانیان بوسیله آنها از او دفاع
عبور کرده بودند در ربوده برد. و چنان شد که طهماسبقلی خان که بیماری
[illegible] واقع شده بودند قوای [illegible]. پیش از این
این [illegible] که باید [illegible] شد نه از آن سبب که
کرد [illegible] و مردانگی [illegible] روزگار [illegible] چند [illegible] بوده
بودند تردید گردانید و [illegible] عاجز و ضعیف تر از
آن می نمایند که بر دفع حملات دشمن قادر باشند بلکه باید [illegible]
از این بود که [illegible] آنها به [illegible] مانده اند و دشمن را مجبور و داخل
[illegible] آنان [illegible] است.

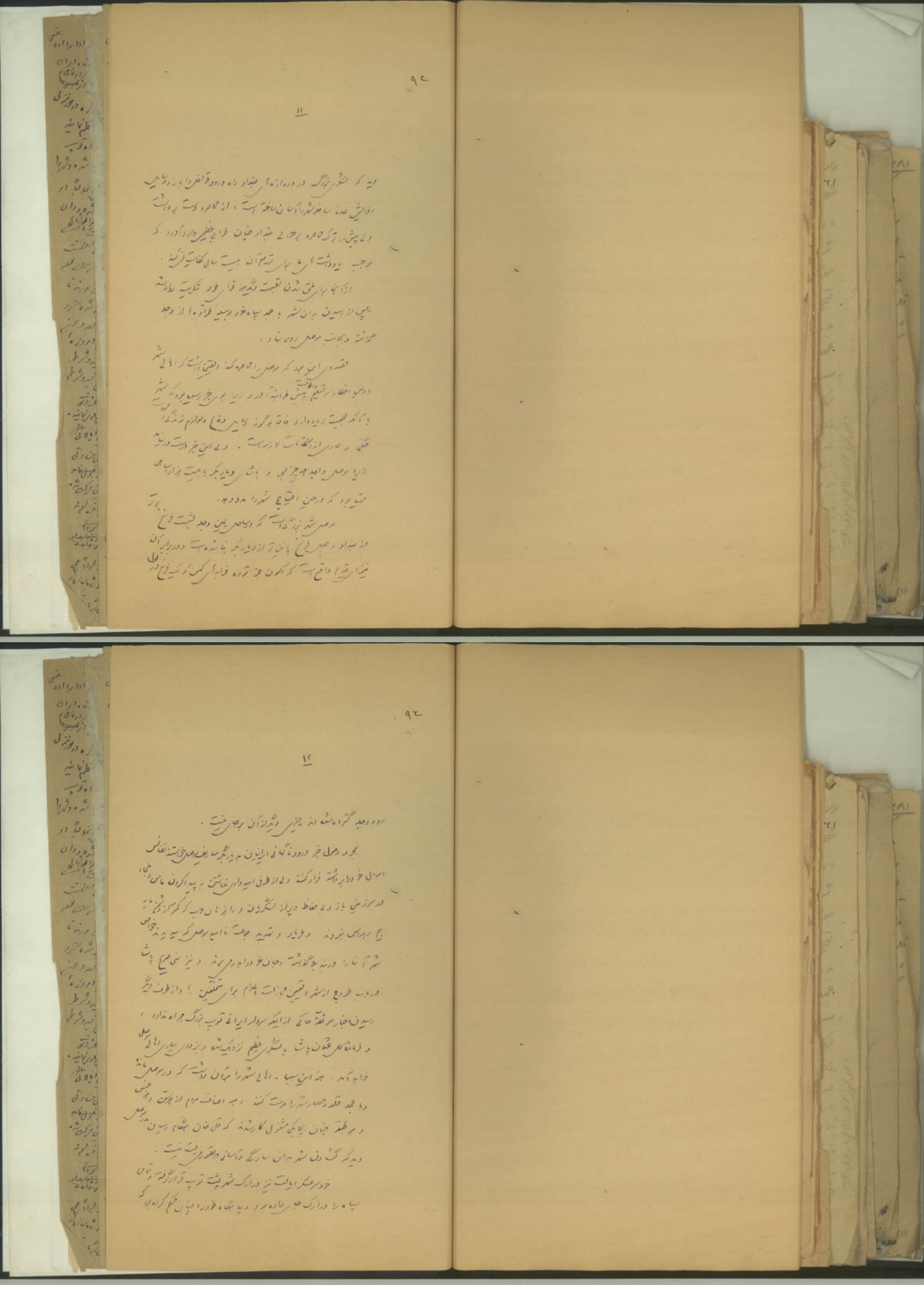
میرزا [illegible] خان که در آن زمان این قسمت را بعهده داشت [illegible] لایق
[illegible] طهماسبقلی خان بود و در تمام [illegible] در
رکاب او [illegible] حاضر بوده [illegible] لیاقت [illegible] بالاترین درجات
لشکری را [illegible] بوده: این [illegible] احکام [illegible]

۱۰

وارد [illegible] را احساس کرد برآن شد که بقوای عثمانی حمله کند
با آنکه عده آنان بیشتر و مواقع شان که ایرانیان باید حمله از آن ها عبور
کنند بسیار مستحکم بود. این حمله از هر نقطه با شدت تمام شروع شد و
جنگی سخت و خونین در گرفت. ایرانیان پس از کوششهای فوق العاده
توانستند [illegible] تفوق گردند راه برای عبور باز کنند و [illegible] تلفات ایشان
بسیار سنگین بود زیرا در میدان جنگ شش هزار مقتول و عده قلیلی مجروح
از آنان بجای ماند. ترکها نیز که کمتر از آنان تلفات نداده بودند
[illegible] وارد شدند و آنرا ویرانه یافتند.

عقب نشینی ایرانیان با کمال نظم در طول دجله تا شهر تکریت انجام
گرفت. تکریت که شهر کوچکی است چون تاب مقاومت و قوت دفاع
نداشت دروازه های خود را برای ایرانیان باز کرد. ایرانیان در آنجا چند
روزی باستراحت پرداختند و منتظر آن شدند که طغیان آبها فرو نشیند
[illegible] از احوال اردوی ایران در برابر بغداد، آگاه شوند.

طهماسبقلی خان نیز پس از آنکه مدتی بانتظار نتیجه بخشیدن اقدامات [illegible]
خود در بغداد [illegible] که ترکها از اقدامات او
مطلع شده [illegible] را از اقدام [illegible] او عاجز ساخته اند. [illegible]



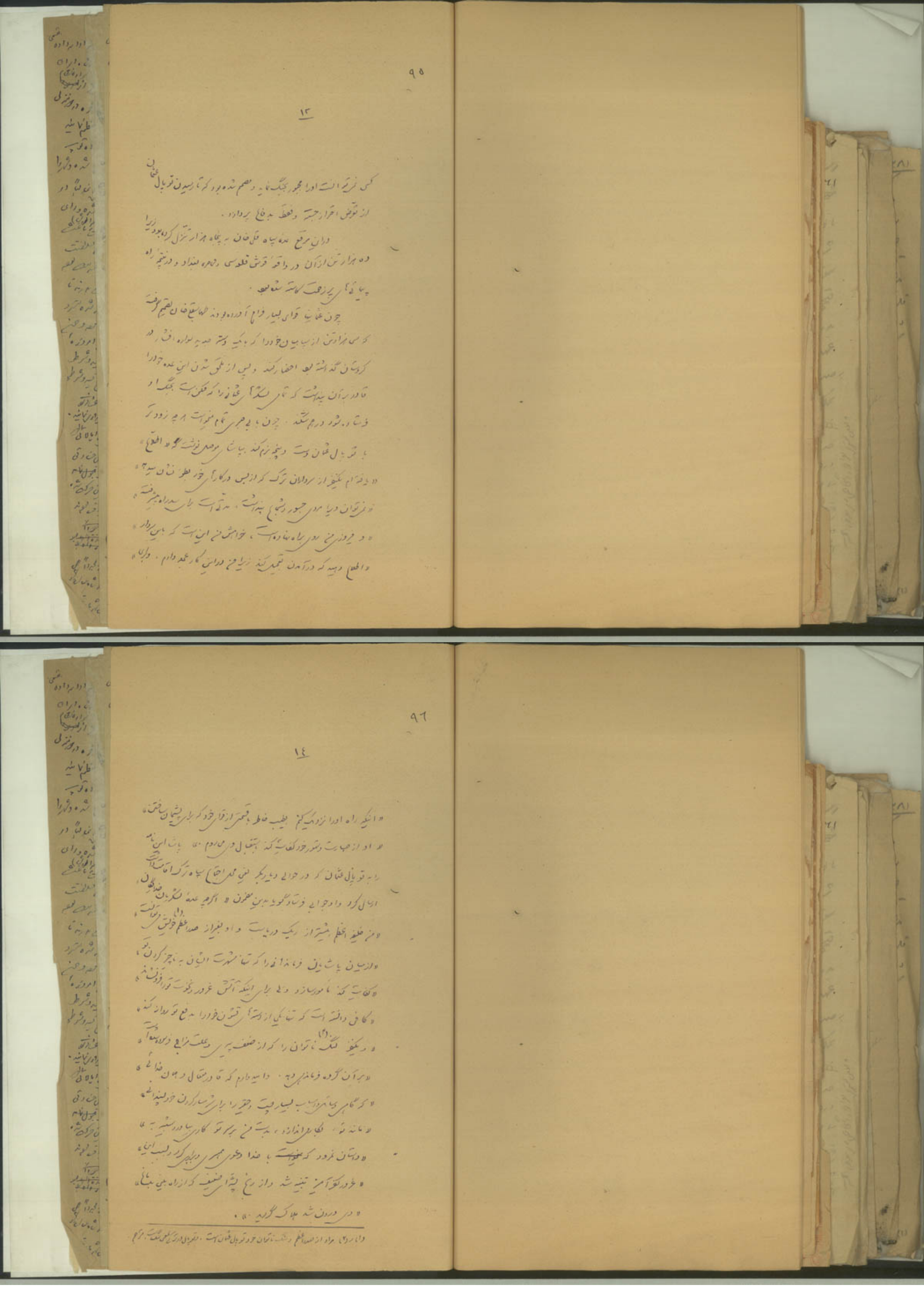
١١

دید که لشکری بزرگ در دروازه‌های بغداد راه ورود قوافل را بار دیگر
افواجش عده ساخلو شهر را آسان ساخته است ، از محاصره دست برداشت
ولی پیش از ترک محاصره بر جاله بغداد چنان فرا یاد خطری وارد آورد که
موجب یادداشت‌هایش برای ترحم آن جهت سال کفایت کند .
از آنجا برای ملحق شدن تقویت دسته‌ها قوای خود شکایت روانه شد
و پس از رسیدن بدان شهر با همه سپاه خود برسید فرا آورد از دجله
گذشته و بجانب موصل روی نهاد .
قصد وی این بود که موصل را محاصره کند ولیقین داشت که اهالی شهر
با وجود اخطارش تسلیم و اطاعت پیش فرا نه آورند زیرا بوی خبر رسیده بود که شهر
با آنکه جمعیت زیاد دارد فاقد هرگونه وسایل دفاع ولوازم زندگانی
حتی و مقداری از امکانات لازمه است . ولی این خبر درست در نیامد
زیرا موصل واجد همه چیز بود و پاشای دیار بکر با جمعیت بزرگ سپاهی
منتظر بود که در حین احتیاج شهر را مدد دهد .
موصل شهر بزرگی است که در ساحل یمین دجله شصت فرسخ بالاتر
از بغداد و صد فرسخ پائین‌تر از دیار بکر بنا شده است و در برابر آن
خرابه‌های قدیم واقع است که اکنون جز توده خرابه‌ای نیست که یک فرسخ دور دارد

٩٢

١٢

رود دجله گذرانده از چیزی دیگر از آن برجای نیست .
بمجرد وصول خبر ورود ناگهانی ایرانیان به دیار بکر ساکنین موصل خواستند نفائس
اموال خود را برداشته فرار کنند ولی از طرفی امیدوار نداشتن به پیدا کردن مأمن دیگر
در سرزمین باز و به محافظ دیوار لشکریان و راه‌ها از بیم آنکه گرفتار دشمن بیرحم
براس بیفتند و فریاد و تهدید حاجی امید موصل که سید زیرک خواص
شهر آنها را در شهر نگاه داشته و جان خود را در امان برده و نیز منع پاشا
در باب خروج از شهر و تعیین مجازات اعدام برای متخلفین ؛ و از طرف دیگر
رسیدن اخبار موثقه حاکی از اینکه سردار ایرانی توپ بزرگ همراه ندارد ،
و زمامدار عثمان پاشا با لشکری عظیم نزدیک شده و بزودی بیاری اهالی موصل
خواهد آمد . بهمین سبب ـ اهالی شهر را بر آن داشت که در موصل بمانند
و با جدیت قلعه و حصار شهر را مرمت کنند و همه اصناف مردم از هر جنس
و هر طبقه چنان بیکباره مشغول کار شدند که قبل از هنگام رسیدن نادر بموصل
دیگر رخنه در شهر بان سادگی و آسانی دست‌یافتنی نیست .
خود بر عسکر ایالت نیز در اطراف شهر شش توپ قرار گرفته و تمامی
سپاه را در اطراف جای داده بود و پایگاه خود را چنان محکم کرده بود که



۱۳

کسی نزدیک است اورا مجبور بجنگ نماید و مصمم شده بود که تا رسیدن توپال عثمان
از تعرض احتراز جسته و فقط بدفاع بپردازد.

در آن موقع عده سپاه توپال عثمان به پنجاه هزار تنزل کرده بود زیرا
ده هزار تن از آنان در واقعه قورش قلوسی (?) در حوالی بغداد و در نتیجه راه
پیمائی های پرزحمت کاسته شده بود.

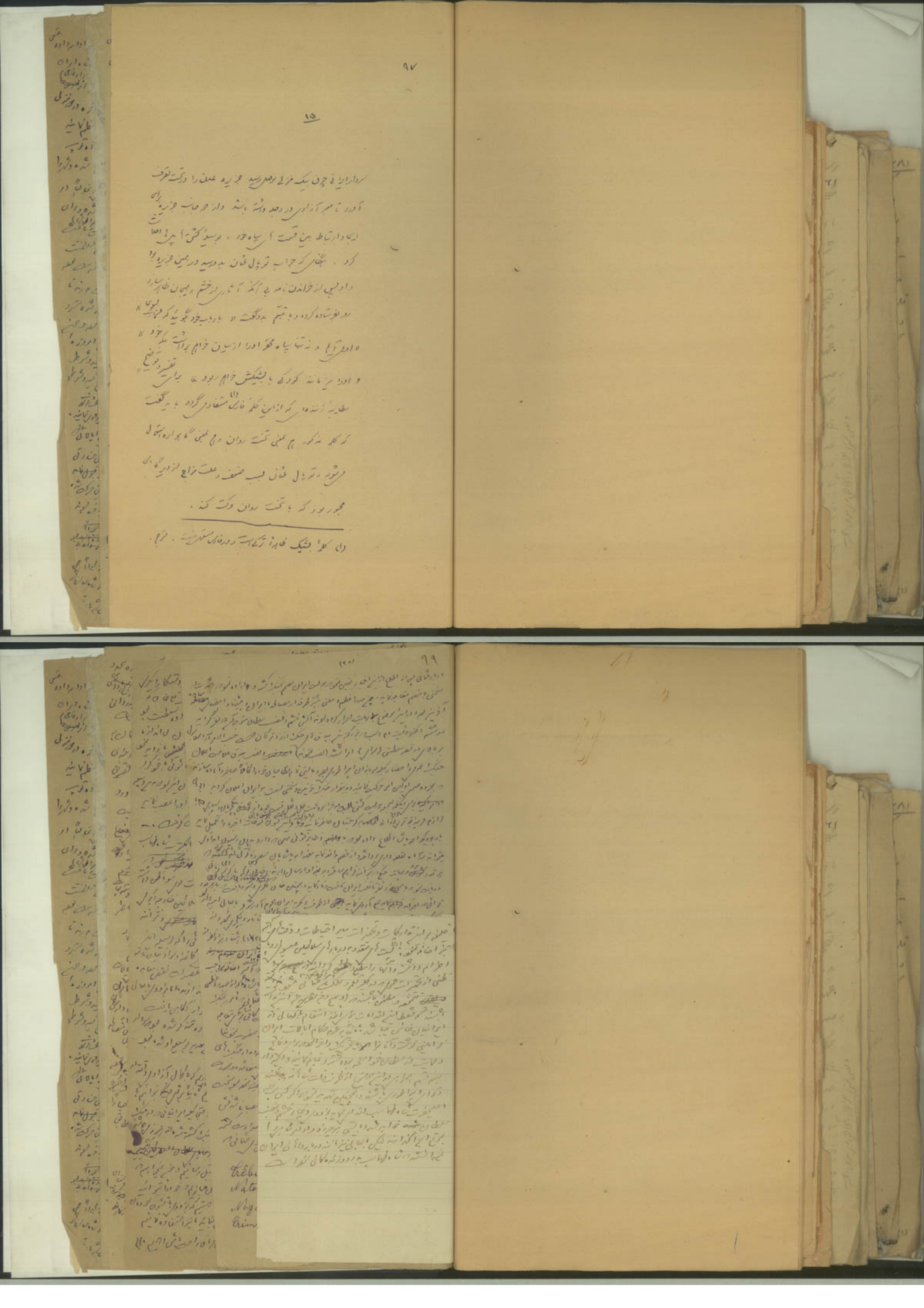
چون عثمانیها قوای بسیار فراهم آورده بودند طهماسب قلیخان تصمیم گرفت
که سی هزار تن از سپاهیان خود را که بیکی دسته هم سواره نظام (?) در
کردستان گذاشته بود احضار کند ولی پیش از ملحق شدن این عده خود را
قادر بر آن میدانست که تمام لشگرهای عثمانی را که مشغول جنگ او
[?] نیرو در هم شکند. چون با بی صبری تمام میخواست هرچه زودتر
با توپال عثمان دست و پنجه نرم کند بپاشای موصل نوشت که «اطلاع
«دهید که ام یکنفر از سرداران ترک که از بس در کارهای خود احتیاط نشان میدهد
«نمی توان دریا مردی جسور و شجاع پنداشت. مدتی است با سپاه همراه من رفته (?)
«و فیروزی من بدی را بیاد داده است. خواهش من این است که باین سردار
«اطلاع دهید که در آمدن تعجیل کند زیرا من در این کار عجله دارم. و برای

۱۴

«آنکه راه اورا نزدیک کنم بطیب خاطر قسمتی از قوای خود که برای پشیمان ساختن
«او از جسارت دستور خود کافی است کنه باستقبال وی میفرستم». پاشا این نامه
را به توپال عثمان که در حوالی دیار بکر (بین [illegible]) سپاه ترک اقامت داشت
ارسال کرد و او جوابی فرستاد و گویا بدین مضمون «اگرچه عده لشکریان خداوندگار
«من خلیفه اعظم بیشتر از ریگ دریاست و او بقدر از صدراعظم خویش (۱) دولت
«وازمیان پاشایان فرماندهانی را که تمام شهرت ایشان بناچیز کردن تو
«کفایت کند مامور سازد ولی برای اینکه آتش غرور و نخوت ترا فرو نشاند
«کافی دانسته است که تنها یکی از دسته های قشون خود را بدفع تو روانه کند
«و در میان (؟) لنگ ناتوان (۲) را که از ضعف پیری و علت مزاج در گهواره است
«برای آن گروه فرماندهی دهد. و امیدوارم که تو در مقابل این خدائی
«که گاهی پیاده و اسب بسیار پست و حقیر را برای سرنگون کردن خودپسندانی
«مانند تو بکار می اندازد، بدست من برابر تو کاری بیاورد شبیه به آن
«داستان نمرود که با خدا دعوی همسری و برابری کرد و بسبب ابلهی
«غرور نکوهش آمیز تنبیه شد و از رنج پشه ای ضعیف که از راه بینی بمغز
«وی درون شد هلاک گردید».

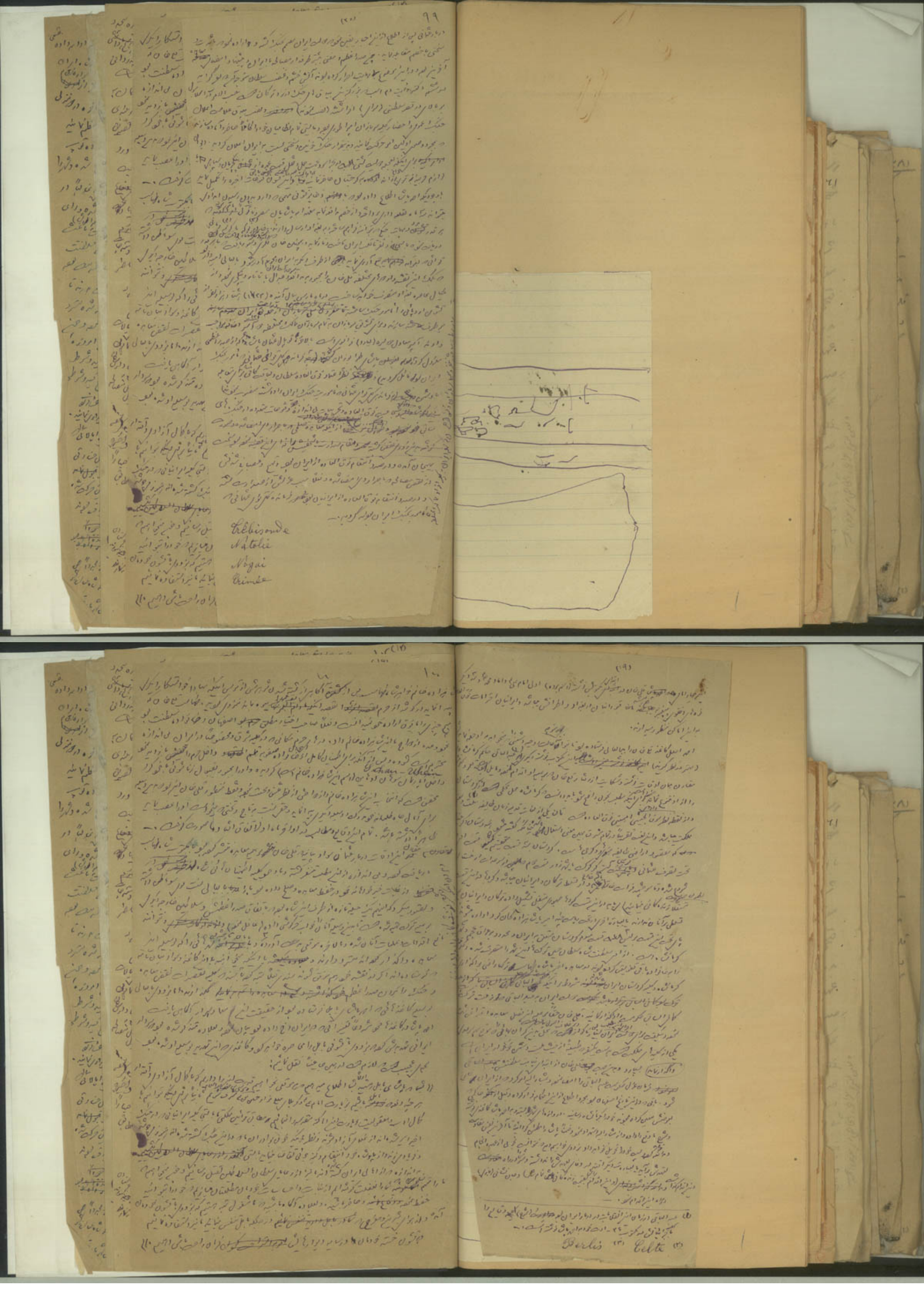
---

(۱) و (۲) مراد از صدراعظم و لنگ ناتوان خود توپال عثمان است . توپال در ترکی یعنی لنگ [illegible]



سردار ایرانی چون بیک مرحله بوصول رسید جزیره عدن را در تحت تصرف
آورد تا معبر آزادی در دهله داشته باشد و از جانب جزیره برای
ایجاد ارتباط بین قسمت‌های سپاه خود ، بوسیله کشتی‌ها پلی احداث
کرد . هنگامی که جواب توپال عثمان بدو رسید در همین جزیره بود
داود پس از خواندن نامه بی آنکه آثاری از خشم و هیجان ظاهر سازد
رو بفرستاده کرده و با تبسم بدو گفت « بارباب خود بگوئید که من لشکری
داور آرام و نه تنها سپاه مصر اورا از میان خواهم برداشت بلکه خود
و اورا نیز مانند کودکی با بشیکش خواهم ربود » برای تفسیر و توضیح
مطایبه زننده ای که از این کلمه فارسی(۱) مستفاد میگردد باید گفت
که کلمه مذکور هم بمعنی تخت روان و هم بمعنی گهواره استعمال
میشود و توپال عثمان بسبب ضعف و علت مزاج از دیرگاهی
مجبور بود که با تخت روان حرکت کند .

(۱) کلمهٔ بشیک ظاهراً ترکی است و در فارسی مستعمل نیست . مترجم.



99

Trebisonde
Natolie
Nogai
Crimée

100

Berlin
Celte

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

۱۰۵

[illegible]

Venetien

۱۹۳۱

[illegible]

Jangali

[illegible]

[illegible]

Turcomans

[illegible]

Tenedos

[illegible]

Le Grande Mogol

(۴) ۱۰۷

(۵)

Le Grande Mogol

۱۰۸

Langues

(۵)

